



کتابنامه تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز

زیر نظر:

دکتر مهدی سنایی

مشاور علمی:

دکتر جهانگیر کرمی

مدیر اجرایی:

رضا جنیدی

هیأت تحریریه:

علی آدمی، رضا جنیدی، پرویز قاسمی

دکتر جهانگیر کرمی، داود کیانی،

محمد مهدی منصف پور

امور رایانه ای:

نرگس بیات

✧ کلیه حقوق برای ایراس محفوظ است ✧

ایراس تنها نظرات نگارندگان خود را

منتشر کرده است و محتوای آن، نظرات

ایراس محسوب نمی شود.



مؤسسه فرهنگی مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز

www.iras.ir

تهران، خیابان ولیعصر، پایین تر از میدان ونک، روبروی

دوازدهم گاندی، پلاک ۱۲۶۶، واحد ۱۸، طبقه پنجم

صندوق پستی: ۱۷۴۵-۱۴۶۶۵

تلفن / دورنگار: ۸۸۸۸۹۱۵۵

پست الکترونیکی:

mail@iras.ir

فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

سخن نخست ۱

نشست قازان: آینده مبهم جامعه همسود و ضرورت تحول در ساختارهای منطقه ای ۲

تحلیلی بر انتخابات پارلمانی آذربایجان..... ۵

فعالیت های فرهنگی دولتهای خارجی در آسیای مرکزی ۹

اندیجان - کارشی خان آباد و تداوم تبلیغات ضد آمریکایی در مطبوعات ازبکستان..... ۱۶

سال تمدن آریایی در تاجیکستان و رقابت ایدئولوژیها ۱۹

از گوام تا گزینه دموکراتیک مشترک المنافع ۲۲

اهداف و دستاوردهای سفر وزیر امور خارجه آمریکا به کشورهای آسیای مرکزی و روسیه ۲۵

معرفی کتاب «سیاست خارجی روسیه: خودآگاهی و منافع ملی» ۲۹

رویدادها و گزارشها ۳۴

شماره چهارم، آبان ۱۳۸۴

سختن نخست

عرصه ای که از مرزهای چین شروع می شود و پس از آسیای مرکزی، به دریای خزر و قفقاز می رسد و مناطق مجاور آن در داخل فدراسیون روسیه (حوزه رود ولگا و قفقاز شمالی) را نیز در برمی گیرد، به لحاظ فرهنگی، مذهبی و اجتماعی ارتباطی دیرپا با مناطق جنوبی در افغانستان، ایران و ترکیه دارد. اسلام، زبان و فرهنگ ایرانی، فارسی، ترکی، عربی و نیز روسی از مؤلفه های مشترک این عرصه هستند و ایران در کانون آن قرار دارد. این منطقه تا زمان فروپاشی شوروی در معادلات فرهنگی جهان نیز غایب بود، اما از آن پس، از جهات مختلف وارد معادلات مختلف جهانی شد. در پانزده سال اخیر تعامل میان این حوزه با مسائل خاورمیانه بسیار پررنگ شده و بسیاری از سیاست های روسیه در مورد این منطقه با در نظر گرفتن این معادلات انجام شده است.

همچنین، این حوزه (آسیای مرکزی و قفقاز) در دل یک منطقه گسترده تر موسوم به اوراسیا قرار دارد. این منطقه گسترده، از بالتیک، اوکراین و دریای سیاه شروع و تا نزدیک شرق را در بر گرفته و در کنار مناطق آتلانتیک، پاسیفیک و خاورمیانه، یکی از مناطق مهم سیاست بین المللی را شکل می دهد و طبعاً با این اوصاف، روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز نه تنها به لحاظ فرهنگی، حوزه ای قابل توجه هستند بلکه از منظر روابط بین المللی نیز از عرصه های تأثیرگذار در وضع کنونی و آینده می باشند، و این به ویژه برای ایران که علاوه بر حضور در معادلات خاورمیانه، در مسائل اوراسیا نیز کانون توجه است، بسیار مهم تر می نماید. توجه قدرت های بزرگ نظام بین المللی مانند آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و سایر بازیگران به این منطقه، آغاز رقابت های جدی سیاسی و فرهنگی برای حضور و نفوذ در آن، و نگاه مردم، گروه های اجتماعی و دولتهای منطقه به این مسائل، از فعال شدن عرصه سیاست و فرهنگ در منطقه حکایت دارد و غفلت از این واقعیت ها سزاوار جامعه علمی و فرهنگی ایران نیست.

مؤسسه مطالعاتی ایراس برای جلب توجه این جامعه و نیز دست اندرکاران مسائل منطقه به تحولات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز، علاوه بر چاپ و انتشار گاهنامه حاضر، مجموعه ای از فعالیت های علمی را در اشکال مختلف آغاز کرده و دست متخصصان، صاحب نظران و دست اندرکاران را برای همکاری می فشارد.

% نشست قازان: آینده مبهم جامعه همسود و ضرورت تحول در ساختارهای منطقه ای

نگارنده: دکتر جهانگیر کرمی*

رنگ باختن هستند: نظام‌های حکومتی و حکام بجامانده از دوران کمونیسم کم کم عرصه را ترک می‌کنند؛ ساختارها و ترتیبات اقتصادی، ارتباطی و سیاسی فرسوده شده و روابط کشورهای عضو با جهان خارج روند فزاینده‌ای را پیموده است؛ و بیشتر ملت‌های منطقه نیز روسیه را خطری برای استقلال خود دانسته و طبعاً به موازات نقش یافتن مردم در سرنوشت سیاسی خود، واگرایی از مسکو تقویت خواهد شد. علاوه بر این عوامل، برخی عوامل دیگر نیز در تضعیف جامعه همسود مؤثر بوده‌اند. نخست پیمان ناتو بود که از سال ۱۹۹۴ در قالب ترتیباتی چون «طرح مشارکت برای صلح»، اقدامات واگرایانه را تقویت نمود. شکل‌گیری سازمان همکاری گوام میان کشورهای گرجستان، اوکراین، آذربایجان و مولداوی در سال ۱۹۹۷ و با تشویق و همکاری آمریکا نیز در تضعیف جامعه همسود مؤثر بوده است. اما شاید پدیده انقلاب‌های رنگی مهم‌ترین ضربه را بر جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع وارد نموده باشد. بدنبال وقوع انقلاب در گرجستان و اوکراین و گرایش بیشتر این کشورها به سوی ناتو و غرب، سران این دو کشور از تشکیل ائتلافی دموکراتیک برای تقویت دموکراسی در منطقه سخن گفتند و دو هفته پیش از گردهم‌آیی قازان، طی بیانیه‌ای موسوم به «بیانیه بورژمی» از تشکیل جامعه کشورهای حوزه دریای بالتیک و سیاه خبر دادند که طی یک ماه آینده نشست آن برگزار می‌شود.

نشست سران کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (جامعه همسود) در شهر قازان (مرکز جمهوری تاتارستان در روسیه) در روز یکشنبه ششم شهریور برگزار و در آن بر انجام اصلاحات و بازسازی ارگان‌های جامعه همسود تأکید شد. همچنین، درخواست رئیس جمهور ترکمنستان مبنی بر خروج از جامعه مذکور، بدلیل مغایرت حضور در این جامعه با بی‌طرفی کشورش، مورد پذیرش قرار گرفت. صفر مراد نیازف اظهار داشت که ترکمنستان بخاطر رعایت اصل بیطرفی نمی‌تواند عضویت در پیمان‌های نظامی را بپذیرد و از آنجاکه در چارچوب جامعه همسود، ساختارهای نظامی مختلفی فعالیت دارند، صرفاً به عنوان عضو ناظر غیر متعهد و بدون حق رأی در نشست‌های آینده شرکت می‌کند.

جامعه همسود بدنبال فروپاشی اتحاد شوروی و امضای قرارداد همکاری کشورهای روسیه، بیلوروس و اوکراین در سال ۱۹۹۱ تشکیل گردید و پس از آن، بتدریج نه کشور دیگر جدا شده از شوروی به عضویت جامعه درآمدند و از میان ۱۵ جمهوری شوروی، تنها کشورهای حوزه بالتیک (لتونی، استونی و لیتوانی) از عضویت در آن خودداری نمودند. این سازمان که تا پیش از نشست قازان ۱۲ عضو داشت، طی عمر پانزده ساله خود، فراز و نشیب‌های متعددی را پشت سر گذاشته است و بویژه طی سالهای اخیر با چالش‌هایی اساسی روبرو شده است. در واقع، همه آن عواملی که موجب شکل‌گیری و دوام جامعه همسود بوده‌اند، بتدریج در حال

* استاد دانشگاه و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعاتی ایراس

اختیار آن کشور، وقتی که سرنوشت عسگر آقایی را - که او نیز پایگاهی نظامی در اختیار آمریکا قرار داده بود - دید، سخت برآشفت. حمایت آمریکا از معترضان بیشکک و کمک به انقلاب گلهای لاله در قرقیزستان و سرانجام، اعتراضات و فشارهای واشنگتن نسبت به حوادث اندیجان، موجب شد تا حکومت تاشکند از آمریکا بخواهد پایگاه نظامی خان‌آباد را تخلیه نماید. ازبکستان با خروج از سازمان گوم، مسیر همگرایی با روسیه را در پیش گرفته است. آذربایجان نیز وضعیت مبهمی دارد و میان واگرایی و همگرایی با مسکو در حال نوسان است. به هر حال، مجموع این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که دو جریان واگرا و همگرا در میان کشورهای عضو جامعه همسود وجود دارد. خواست احزاب، جمعیت‌ها و گروههای مخالف حکومت‌های طرفدار روسیه، همگرایی با غرب است، اما برخی حکومت‌ها همچنان بقای خود را در گرو همکاری با مسکو می‌دانند. آنچه که از دورنمای قابل تأمل مسائل منطقه به نظر می‌آید آن است که کشورهای مذکور دیر یا زود دستخوش تحولاتی خواهند شد و مشکل است که حکومت‌های آذربایجان، ازبکستان و ... از انتخابات آینده به این راحتی جان سالم بدر برند و دیر یا زود حکومت روسیه با حاکمان دیگری سر و کار خواهد داشت و تصمیم آنهاست که امکان حفظ یا فروپاشی جامعه همسود را روشن می‌کند. شاید مسکو باید به فکر اشکال جدیدی از همکاری منطقه‌ای باشد که با واقعیت‌های داخلی، منطقه‌ای و جهانی امروز انطباق و هماهنگی بیشتری داشته باشند. زمان برای ساختارهایی که صرفاً با کمک، تطمیع و فشار روسیه برقرار مانده‌اند، سپری شده و منطقه نیازمند ساختار و ترتیبات جدیدی است که در آن از روسیه تا ایران و از چین تا ترکیه بر اساس مبانی مشترک فرهنگی، تمدنی و حقوقی به همکاری سیاسی، امنیتی و اقتصادی در فضای جهانی شده کنونی بپردازند.

تلاش‌های مسکو برای حفظ ساختارهای پرهزینه، کمکی به روسیه و کشورهای منطقه نکرده و بلکه آنها را آسیب‌پذیرتر نموده است. اگرچه سخت است که روسیه به این سادگی از وضعیت نیم‌بندی که بیشتر به لحاظ روانی برای التیام دردهای پس از وضعیت ابرقدرتی به کار می‌آید تا اینکه کارکردی واقعی داشته باشد، وداع

روسیه، اما تلاش خود را برای تقویت جامعه همسود بکار می‌گیرد. از نگاه روس‌ها، اولویت نخست سیاست خارجی کشورشان، خارج نزدیک است و این موضوع را در اسناد مختلف سیاسی و استراتژیک از جمله در سند «تدبیر سیاست خارجی فدراسیون روسیه» مصوب شورای امنیت و ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰ قید نموده‌اند. خود مفهوم خارج نزدیک حکایت از آن دارد که مسکو چندان برای این کشورها قائل به خارجی بودن نیست و در واقع، آنها را نه خارج کامل (مستقل)، که به نوعی جزئی از روسیه قلمداد می‌کند که برای خود آزادی عمل خاصی را در سرزمین آنها محفوظ می‌داند و این نکته را در دکترین نظامی روسیه آنجا که «به حق اقدام نظامی در حمایت از شهروندان روسی ساکن خارج نزدیک» اشاره دارد - مطرح می‌نماید. برخی تحلیل‌گران، برای چنین وضعیتی، از مفهوم «دکترین مونروئه روسی» یاد کرده‌اند که نوعی حیاط خلوت بودن و آزادی عمل نظامی را تداعی می‌کند. اما همین مسائل و مفاهیم است که ترس از روسیه را در جوامع مذکور دوچندان نموده و کار را برای مسکو مشکل می‌سازد. البته باید این واقعیت را نیز در نظر گرفت که دو عامل همچنان وجود دارد که مسکو را در حفظ کشورهای پیرامونی توانمند می‌سازد: نخست، ابزارهای مسکو در ایجاد مشکل برای کشورهای گریزان و دیگر، ترس حکومت‌ها از جدایی کامل از روسیه. تقریباً همه کشورهای عضو، دولت‌های ضعیفی هستند که در مقابل مشکلات قومی، اجتماعی و سیاسی داخلی آسیب‌پذیر بوده و روسیه نیز هنوز از آنچنان نفوذی برخوردار است که این کشورهای ضعیف را دچار دردسر سازد.

اقلیت‌های ساکن در کشورهای مختلف مثل گرجستان و اوکراین، نفوذی که روسیه در میان آنها دارد، و نیز مشکلات حل‌نشده‌ای که از دوران شوروی باقی مانده، می‌تواند براحتی برای حکومت مرکزی این کشورها دردسرساز باشد. از سوی دیگر، برخی حکومت‌ها، از دست دادن حمایت مسکو را به منزله تنهایی خود در برابر امواج جدید انقلاب‌های رنگی و نارضایتی اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مردم می‌دانند. نمونه آن حکومت ازبکستان است که با وجود سیاست‌های غرب‌گرا و همکاری نزدیک با آمریکا بویژه در جریان تحولات پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و قرار دادن پایگاه نظامی در

نماید، اما برخی اظهارنظرها در مسکو نشان از وجود واقع بینی‌هایی در طرف روسی دارد. مسکو چه بخواهد و چه نخواهد، کشورهای دیگر نظیر چین و ترکیه و بویژه ایران، در منطقه‌ای که از سین کیانگ تا آسیای مرکزی، خزر، قفقاز و دریای سیاه امتداد دارد، صاحب نفوذ بوده و فرهنگ این سرزمین‌ها متأثر از این تعاملات بوده است. طبعاً منظور نگارنده احیای رقابت‌های سده‌های پیشین و یا بازی بزرگ سده نوزدهم نیست، بلکه در جهان امروز جای آن رقابت‌های نظامی را می‌تواند همکاری‌های اقتصادی و سیاسی بگیرد. گسترش منطقی سازمان همکاری شانگهای می‌تواند طلوع دوره‌ای از همکاری منطقه‌ای باشد که حتی تعدیل نظام بین‌المللی را بدنبال داشته باشد؛ امری که منافع منطقه‌ای و جهانی کشورهای روسیه، چین و ایران را تأمین خواهد نمود.



% تحلیلی بر انتخابات پارلمانی آذربایجان

نویسنده: علی آدمی*

در انتخابات پارلمانی ۶ نوامبر آذربایجان^۱، فشارهای جامعه جهانی و برخی کشورهای قدرتمند منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جهت تأثیر گذاری بر انتخابات افزایش یافت. در ابتدا تضمین‌های لازم از سوی دولت آذربایجان برای صحت و شفافیت برگزاری انتخابات این دوره داده نشد و این امر حساسیت زیاد جامعه جهانی را برانگیخت. به دنبال آن رئیس جمهور الهام علی‌اف در ماه می نسبت به سلامت و دقت رأی‌گیری این دوره به مقامات برگزاری انتخابات هشدار داد و خواستار شرایط برابر تبلیغات و استفاده یکسان کاندیداها از تبلیغات تلویزیونی و رسانه‌ای شد.

مدت زمان زیادی از اظهارات علی‌اف و اصلاحات پارلمان این کشور در خصوص قانون انتخابات و آزادی برابر نامزدان شرکت‌کننده در این انتخابات اعم از مخالف و موافق نگذشته بود که دولت آذربایجان در اوایل آگوست مخالفان سیاسی خود را به مبارزه طلبید. روسلان بشیرلی رئیس حزب مخالف جنبش جوان به اتهام توطئه برای سرنگونی حکومت و اخذ پول از مقامات امنیتی ارمنستان و سازمان‌های غیردولتی آمریکایی بازداشت شد. در موردی مشابه علی کریملی رئیس حزب جبهه خلق آذربایجان به اتهام آنکه بشیرلی اقدامات خود را با توجه به حمایت‌های پشت پرده او انجام می‌دهد بازداشت شد. و خلاصه آنکه در ظرف چند هفته به انتخابات آذربایجان عده زیادی از مخالفین و رؤسای احزاب مخالف دولت آذربایجان دستگیر و زندانی شدند. نکته مهم

آنکه در ۱۵ سپتامبر، گروهی از مقامات امنیتی ویژه از سرویس مرزی آذربایجان و وزیر امنیت ملی، سرهای یوتوشنکو - از فعالان مخالف جنبش جوانان اوکراین - را در فرودگاه باکو دستگیر و پس از بازجویی وی را تبعید کردند. یوتوشنکو برای شرکت در کنفرانسی با عنوان «دموکراتیزاسیون در آذربایجان» از سوی احزاب مخالف دعوت شده بود. در توجیه برخی از این دستگیری‌ها، رسانه‌های گروهی آذربایجان گزارش دادند که اخیراً «عیسی قمبر» رئیس حزب مساوات از احزاب مخالف دولت آذربایجان ملاقاتی را با دستگاه‌های امنیتی ارمنستان برای ایجاد اختلال در انتخابات آتی داشته است. عجیب آنکه این گزارش خبر از توانایی بهتر در ترتیب یک ملاقات آزادانه با ارمنی‌ها در ترکیه می‌دهد که مقامات امنیتی ارمنستان آن هم در کشوری مثل ترکیه با سابقه دشمنی‌ها و خصومت‌های دیرینه تاریخی و کهن با مخالفین دولت آذربایجان ملاقات می‌کنند. اما مخالفان هنوز امیدوارند که انتخابات پارلمانی ۶ نوامبر آذربایجان به نقطه عطف در سیاست داخلی این کشور تبدیل شود. دولت بدون در نظر گرفتن فشارهای داخلی و خارجی، امکانات و تسهیلات مناسب را جهت برگزاری یک انتخابات عادلانه و آزاد فراهم نساخته است. اما سؤال مهم آنکه تاکتیک علی‌اف برای رویارویی بزرگ در مقابل احزاب مخالف چه بوده است؟ این چنین اقدامات بازدارنده‌ای زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری نگرانی‌هایی جدی در خصوص جریان انتخابات و امکان

* استاد دانشگاه و پژوهشگر مؤسسه مطالعاتی ایراس

کشور با ایالات متحده یک دوره بی ثباتی و ناپایداری را می گذراند که می توان سه دلیل برای آن اقامه کرد:

۱- اهمیت ژئوپلیتیک حفظ لوله نفتی باکو - جبهان به طور فزاینده ای با تغییر اولویت های استراتژیک از دریای سیاه به توسعه بخش انرژی عراق کاهش یافته است. این تغییر غیر قابل انتظار و ناگهانی از وابستگی طولانی مدت به آذربایجان به عنوان عامل اصلی حمایت اروپا و آمریکا، جلوگیری کرده است.

۲- عنصر دوم ارتقاء سطح دموکراسی و انتخابات و استانداردها و سیاستگذاری های جدید ایالات متحده در منطقه می باشد. تأکید بر دموکراسی در آذربایجان که مشروعیتش به انتخابات سال ۲۰۰۳ بر می گردد که قدرت را به خانواده علی اف انتقال داد، می تواند سرآغاز خطرناکی داشته باشد. اعطاء حقوق شهروندی مانند حق انتخاب و آزادی بیان و برقراری یک انتخابات آزاد و منصفانه و سپردن حاکمیت به نخبگان بی تجربه، ریسکهای غیر قابل انتظاری را برای رژیم به همراه خواهد داشت.

۳- عنصر دیگر این تغییر در روابط میان واشینگتن - باکو، سوء تفاهم متقابل انگیزه های حال حاضر دو کشور می باشد. در حالیکه واشینگتن به انگیزه های باکو و مواضع اتخاذی آن، تنها با دودلی و شک می نگرد، باکو در فهم خواسته های واشینگتن دچار سوء برداشت شده و به چشم برداشته شدن علی اف از اریکه قدرت سیاسی نگاه می کند.

با آنکه ظاهراً به نظر می رسد دولت آذربایجان با لباس دموکراسی امکان آزادی مخالفان را جهت شرکت در انتخابات و ورود به آن کشور به صورت آزادانه فراهم می سازد، اما گزارش ها و واقعیت های موجود از جامعه آذربایجان خلاف این امر را ثابت کرد. اگر به جریان شناسی احزاب مخالف دولت کنونی آذربایجان نگاه کنیم، حزب منسجم که پیشتر مخالفت سازماندهی شده با دولت این کشور که حمایت گروهها و قدرت های بزرگ منطقه ای و فرا منطقه ای را به همراه داشته باشد وجود ندارد.

در رأس این گروههای مخالف، رسول قلی اف رهبر یکی از احزاب مخالف می باشد که مدت زمان زیادی در آمریکا ساکن بوده و امروز، از طرف آنها مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته است. در عین حال آمریکائیه سرمایه گذاری کافی را در حمایت

تکرار خشونت های پس از انتخابات اکتبر ۲۰۰۳ را به دنبال داشت. دیگر آنکه اقدامات و واکنش های بین المللی از سوی اتحادیه اروپا و ایالات متحده را نیز به همراه داشت. از سوی دیگر سرکوب مخالفان دولت ممکن بود حوادث اندیجان ازبکستان را تکرار سازد با این تفاوت که در ازبکستان ترس کشورهای غربی از قوت یافتن گروههای بنیادگرا و افراطی در ازبکستان و حاکم شدن آنها بر منطقه و دولت ازبکستان، مجال و فرصت لازم را در اختیار اسلام کریم اف - رئیس جمهوری این کشور - برای کشتار خونین و سوکوب بسیاری از مخالفین در جنوب شرقی شهر اندیجان فراهم آورد. این سرکوب های خونین مجامع بین المللی را به تحریم های بین المللی وادار نکرد در حالیکه ازبکستان با صراحت و قاطعیت تمام مقابل اعتبار بین المللی ایالات متحده ایستادگی کرده و ایالات متحده نیز بعلت ترس از شدت گرفتن اقدامات گروههای افراطی و حاکم شدن آنها بر ازبکستان در صورت عدم ثبات و امنیت در این کشور تا حدود زیادی سکوت اختیار کرد. این امر در مورد آذربایجان صدق نمی کند و هرگونه سرکوب خونین و کشتارهای وحشیانه توسط دولت آذربایجان می تواند جامعه جهانی را وادار به تحریم های سنگین و اقدامات قهرآمیز نماید.

علی اف در حالیکه برای سرکوبی مخالفان امکانات خود را آماده می کرد، نیم نگاهی نیز به انگیزه های ایالات متحده و واکنش این کشور در مورد برگزاری انتخابات داشت، چرا که بدون شک این انتخابات بعد از فوت پدر، اولین آزمون تعیین میزان مشروعیت دولت علی اف است و مهمتر از آن در حالی انجام می شد که ایالات متحده تأکید مجددی بر دموکراسی و استانداردهای انتخاباتی برای دولت های سابق شوروی دارد. تحلیل دیگری نیز پیرامون سکوت جامعه جهانی بخصوص ایالات متحده در مورد انتخابات آذربایجان و اقدامات سرکوبگرانه علی اف مطرح است.

در این خصوص برخی تحلیل گران معتقدند که برای آزمون نظامی مانند آذربایجان که تنها یک خانواده و حزب زمام امور دولت را در دست دارد، باید به شیوه ها و روش های سمت گیری انتخابات و نه به نتیجه گیری آن توجه داشت. عامل دیگری نیز ابهاماتی را قبل از انتخابات و در آستانه برگزاری آن ایجاد کرده بود و آن مربوط به روابط آمریکا و آذربایجان است. از نظرگاه آذربایجان، روابط این

را در کشور برقرار سازد یا اینکه گروههای مخالف نتوانند به وفاق عامی حول منافع مهم کشور دست یابند و قدرت در آذربایجان دست به دست شود و ثباتی که هم اکنون دولت علی اف بدست آورده است، خدشه دار شود. بدیهی است ثبات و امنیت در منطقه برای آمریکائیه که از خط لوله باکو - جیهان پشتیبانی می کنند بسیار ضروری و حیاتی می باشد.

روسها نیز تا زمانیکه از وضعیت آتی آذربایجان و روندهای سیاسی با ثبات و همسو در این کشور اطمینان حاصل نکنند، خواهان برهم زدن نظم موجود نیستند. آمریکائیه و روسها وضعیت موجود را در حال حاضر وضعیت خوبی می دانند که هرگونه تغییر و تجدید نظر در این وضعیت بدون اطمینان از آلترناتیوها و سناریوهای جانشین آن می تواند عواقب ناگواری را برای آنها به دنبال داشته باشد و منافع منطقه ای هر دو را به خطر اندازد. علی اف هم اکنون هم با کارت روسها و هم با کارت آمریکائیه بازی می کند.

الهام علی اف، فردی مصمم و با تجربه است که از مشاورین خوبی نیز که از دوران پدر برجای مانده اند بهره می گیرد. او توانسته است استراتژی توازن را برقرار کند. حفظ فاصله یکسان بین سه کشور روسیه، ایران و ترکیه و همچنین قدرتهای فرامنطقه ای از اولویت های استراتژیک علی اف است. او اپوزیونی را که قبلاً در حاکمیت بوده و قره باغ را از دست داده به این بهانه، سرکوب کرده است که چرا قره باغ را آنها از دست داده اند.

همانطور که نظرسنجی ها نشان می داد حزب حاکم یعنی آذربایجان نوین مجدداً اکثریت کرسی های پارلمان را از آن خود کرد. در حالیکه به گفته منابع خبری حدود دو هزار ناظر آذربایجانی و ۱۲۹۱ ناظر خارجی در سراسر کشور بر برگزاری این انتخابات نظارت داشتند، اما اعتراض بسیاری از دولت های غربی و مخالفان داخلی را در مورد صحت و شفافیت لازم این انتخابات به همراه داشت. علی اف به مطلوب دانستن شرایط و با اعتماد به نفس کامل از شفاف بودن و دموکراتیک بودن انتخابات در آن روز صحبت کرد. او مبارزات انتخاباتی را موفقیت آمیز دانست و نام نویسی بیش از ۲ هزار نامزد برای کسب کرسی های پارلمان را نشان دهنده اعتماد مردم به دولت دانست.

از مخالفین دولت آذربایجان انجام نداده اند. روسها نیز که نزدیکتر و حساستر تحولات کشورهای این منطقه خصوصاً آذربایجان را نتوانسته اند به اتفاق نظر یکسانی راجع به حمایت از اپوزیسیون مخالف دولت آذربایجان دست پیدا کنند، که می توان دو دلیل عمده برای آن ذکر کرد:

۱- احزاب در جمهوری آذربایجان به شدت متفرق و پراکنده می باشند. در حدود ۱۳۰ حزب در آذربایجان وجود دارد که بیش از آنکه بتوان به آنها مفهوم حزب به معنای واقعی آن را داد، گروههای مخالف و فشار بیشتر صدق می کند.

مخالفان نیز نتوانستند اتفاق نظری راجع به حمایت از یک حزب خاص پیدا کنند، خواه این حزب از طرف روسها سازماندهی و تشکیل شده باشد خواه از طرف غرب و در رأس آن آمریکائیه. در جمهوری آذربایجان برگزاری میتینگ های حزبی و سیاسی به راحتی امکان پذیر است اما تنها شرکت کنندگان جهت اخذ پول می آیند لذا ساختار برگزاری میتینگ در آذربایجان یک حرکت خودجوش، آگاهانه و فعال نیست و با کشورهای دیگر فرق دارد.

هر حزب، گروه و دسته ای که منافع بیشتری برای شرکت کنندگان تدارک ببیند، شرکت کنندگان بیشتری را جذب می نماید و تظاهرات با شکوهتری برگزار می کند؛ لذا این حرکتی جمعیتی به هیچ عنوان نمی تواند پشتوانه مطمئن و قابل اعتمادی برای فضا سازی ها سیاسی جهت فشار بر دولت باشد.

میتینگ ها با پول و رشوه تشکیل می شود و تنها در حد همان میتینگ با ابعاد مشخص شده از قبل باقی می ماند و برای مخالفانی که آن را ترتیب داده اند تنها یک حرکت تبلیغاتی محسوب می شود.

۲- ایالات متحده و روسها هر کدام با دلایل سیاسی، اقتصادی و امنیتی خاص خود به هیچ روی خواهان برهم زدن ثبات و امنیت در جمهوری آذربایجان و به تبع آن به هم خوردن امنیت و ترتیبات منطقه قفقاز نیستند، لذا اگر حمایت های آنها صریح و همه جانبه علیه دولت علی اف در همراهی با مخالفان آن باشد ممکن است جنگ قدرت در آذربایجان بالا گرفته و حکومت آینده نتواند ثبات

به هر حال همانطور که پیش بینی می شد، نتایج اعلام شده از برتری نامزدهای حزب حاکم آذربایجان نوین وابسته به رئیس جمهور الهام علی اف خبر داد. از احزاب پیشرو و مخالف دولت باکو احزاب مساوات و جبهه خلق نیز توانستند نمایندگانی را در مجلس داشته باشند.

یادداشت:

آذربایجان دارای سه قوه مقننه، قضائیه و اجرائیه است. ولی نقش تعیین کننده را رئیس قوه مجریه دارد و حتی رئیس قوه قضائیه را نیز رئیس جمهور منصوب می کند. پارلمان در واقع طبق قانون اساسی ۱۲۵ نماینده دارد. ۱ نماینده برای قره باغ و بقیه از آذربایجان. از ۱۲۴ نماینده آذربایجان ۲۳ نماینده از طریق سیستم حزبی و ۱۰۱ نفر به صورت انفرادی به مجلس راه پیدا می کنند. در حدود ۲ سال پیش با اعمال اصلاحاتی در قانون اساسی آذربایجان آن را به رفراندوم گذاشتند که اول مقرر شد تمامی نمایندگان از طریق سیستم انفرادی به مجلس راه پیدا کنند و دوم آنکه حیدر علی اف بعد از خود نخست وزیر را نفر دوم کشور معرفی کرد و حال آنکه از گذشته های دور در جمهوری های شوروی سابق، بعد از رئیس جمهور رئیس مجلس از قدرت بیشتری در نظام حاکم آذربایجان رئیس مجلس نفر سوم شد.

در پارلمان قبلی آذربایجان از ۱۲۴ نماینده حاضر، ۱۲ نماینده مخالف، از طریق سیستم حزبی به مجلس راه پیدا کرده بودند و بقیه به نوعی جزء سیستم حاکم هستند. در هر دو دوره قبلی انتخابات پارلمانی کشور، لیست نهایی کاندیداهایی که به مجلس راه پیدا می کنند از قبل منتشر شده و در اختیار رسانه های گروهی و مردم قرار گرفته بود که دقیقاً همان لیست به مجلس راه پیدا کردند که شائبه پیدایش چنین لیستی هم اکنون از سوی دولت، فشارهای داخلی و خارجی را علیه دولت این کشور در برگزاری یک انتخاب فرمایشی و صوری افزایش داده بود. نکته دیگر آنکه طبق قانون اساسی آذربایجان هر کس فرد دینی باشد نمی تواند در نظام انتخاباتی به عنوان کاندیدا معرفی می شود. لذا غیر سکولارها نمی توانند برای وارد شدن به مجلس ثبت نام کنند. شرط دیگر کاندیدا شدن جمع آوری امضا به تعداد کافی از سوی معتمدین آن محل و ناحیه برای نامزد شدن می باشد. افرادی که نامزدهای انتخاباتی را تأیید می کنند خود باید حداقل ۱۶ سال سن داشته باشند، نظامی نباشند و از نقاط مختلف آذربایجان حضور داشته باشند.

% فعالیت های فرهنگی دولتهای خارجی در آسیای مرکزی

نگارنده: محمدحسین عابدینی*

مقدمه

منطقه آسیای مرکزی به لحاظ تلاقی و تلفیق فرهنگ‌های مختلف، هم‌سازی ملیت‌ها و اقوام گوناگون و تکثر ادیان و مذاهب، ساختار اجتماعی متفاوتی با سایر جوامع دارد. از لحاظ تاریخی، اهمیت و تأثیر این منطقه به عنوان مسیر بازرگانی مطمئن بین شرق و غرب عالم بر کسی پوشیده نیست. افزون بر آن، وجود منابع طبیعی و ذخایر سرشار نفت، گاز، اورانیوم، مواد کانی، فلزات گرانبها و نیز واقع شدن در چهار راه ژئوپلتیک اوراسیا اهمیت آن را دو چندان کرده است. بر همین اساس، پس از فروپاشی شوروی توجه کشورهای دیگر به این منطقه گسترش فزاینده یافت و به تدریج رقابت قدرت‌های منطقه‌ای یعنی فدراسیون روسیه، چین، ایران، هند، پاکستان و عربستان سعودی و قدرت‌های فرامنطقه‌ای یعنی آمریکا، ترکیه، اسرائیل و برخی کشورهای اروپایی در سال‌های اخیر شدت گرفت، درحالی‌که در قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰ تنها دو امپراتوری روسیه و بریتانیا بازیگران اصلی در این منطقه بودند. همین امر موجب گردیده است کارشناسان آگاه مسایل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی با دقت نظر، فعالیت‌ها و تحرکات قدرت‌های یاد شده را تحلیل و بررسی کنند. این نوشتار نیز بر آن است فعالیت‌های فرهنگی، علمی و آموزشی این کشورها را ریشه‌یابی و تشریح کند و نتایج آن را پیش دید صاحب‌نظران گذارد.

۱- روسیه:

حضور فرهنگی روسیه در کشورهای آسیای مرکزی با حضور قدرت‌های دیگر در منطقه متفاوت است. این امپراتوری فروپاشیده روزگار درازی در فراخ‌نای سرزمینی گسترده و در برگیرنده اقوام، ملیت‌ها، گروه‌ها و تیره‌های مختلف و نامتجانس که شگفتی انسان را برمی‌انگیزد، بی چون و چرا فرمان می‌راند که از سال ۱۹۹۱ با استقلال جمهوری‌های نوزاده با تحول و دگرگونی وضعیت رویا روی گردید. روسیه برای حضور و نفوذ در منطقه آسیای مرکزی از دو عامل و ابزار مهم زبان و جمعیت بهره می‌گیرد. هیچ کشوری مانند شوروی سابق در باره زبان‌های ملی و بومی و حفظ آنها مطالعه و تجربه ندارد. گرچه طبق قانون اساسی تمام زبان‌ها از حقوق برابر برخوردار بودند، لیکن زبان علم و ارتباطات میان ملیت‌های شوروی زبان روسی بود. اکنون باید دید ملیت‌های ساکن هر یک از این جمهوری‌ها از نظر زبان و فرهنگ در چه موقعیتی قرار دارند و تا چه اندازه وحدت فرهنگی حاصل شده و در این بین، نقش روسیه چیست؟ ازبکستان، ترکمنستان و جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر الفبای خود را از سریلیک به لاتین تغییر داده و برخی دیگر مانند قزاقستان و تاجیکستان با در نظر گرفتن مهلت‌هایی در صدد جایگزینی زبان ملی به جای روسی‌اند. از سوی دیگر، فرهنگ روسی نیز در مقابل فرهنگ‌های ملی و فرهنگ وارداتی غرب در این کشورها رنگ باخته است و تلاش‌های این کشور در ایجاد وحدت فرهنگی بین اقوام و ملل

* کارشناس آسیای مرکزی

روش تحقیق و مطالعه آشکار می‌سازند و در مرحله بعد با تکیه بر صبر و شکیبایی به دور از هیاهو و تبلیغات به تأمین آن نیازها می‌پردازند. اعتماد به نفس چینی‌ها مثال زدنی است. به یاد دارید دولت چین در مبارزه با بیماری «سارس» چگونه طی یک برنامه‌ریزی عملیاتی در مدت یک هفته بیمارستان هزار تخته ساخت و این بیماری خطرناک را مهار کرد. به همین خاطر کشوری که در سه دهه گذشته بیشترین آمار فقر جهان (۷۰ درصد) را داشته امروز اقتصاد جهان را در برابر قدرت اقتصادی خود به تسلیم واداشته است.

چین با تکیه بر چنین عزمی، روابط فرهنگی خود را با کشورهای آسیای مرکزی بویژه قزاقستان هم مرز با بیش از یک میلیون قزاق توسعه داده و در این راستا گفتگو را جانشین برخورد و مدارا را جایگزین ناسازگاری کرده است. تدریس زبان چینی به عنوان یک زبان شرقی در مدارس و دانشگاه‌های منطقه (نگارنده خود در قزاقستان شاهد آن بوده است)، هنرهای رزمی، طب سوزنی، استفاده از داروهای گیاهی و حتی چوب‌های غذاخوری نماد و نشان فرهنگ چینی در سراسر جهان است. از هنگام به کار بستن سیاست اصلاحات و آزادی بازار فرهنگی، چین به رشد و توسعه چشمگیر در حوزه محصولات صوتی و تصویری، کتاب، فیلم، اشیای عتیقه و تاریخی - فرهنگی دست یافته است. در تبادل و تعامل فرهنگی با کشورهای دیگر هم اکنون ۴۵۰ هزار دانشجوی چینی در خارج و عمدتاً آسیای مرکزی به تحصیل اشتغال دارند. جالب است که برای این تعداد دانشجو از سوی وزیر آموزش چین به مناسبت سال نو یا عیدهای دیگر کارت تبریک فرستاده می‌شود.

چینی‌های مقیم کشورهای خارجی در هر پست و مقامی که باشند کسب اطلاعات و انتقال اخباری که برای کشورشان مفید باشد را به عنوان یک وظیفه ملی تلقی می‌کنند و در انجام آن کوتاهی روا نمی‌دارند حتی کسانی که به عنوان توریست برای مدت هر چند کوتاه به کشور دیگری مسافرت می‌کنند در بازگشت، اطلاعات و اندوخته‌های حاصل از سفر را در اختیار مسئولین ذیربط قرار می‌دهند. چین در حال حاضر با بیش از ۱۲۰ کشور جهان از جمله قزاقستان موافقت‌نامه همکاری دارد و بر اساس آن ۴۲۰ برنامه مبادلات فرهنگی به امضا رسانده است. این قدرت جهانی برنامه

آسیایی مرکزی که بیشترشان مسلمانند خنثی و بی‌اثر مانده است. اما روسیه نمی‌تواند دست از حمایت خود از جمعیت ساکن جمهوری‌های آسیای مرکزی بردارد، زیرا اگر چنین کند افکار عمومی جامعه روس دولت پوتین را سرزنش خواهد کرد. از سوی دیگر حضور میلیون‌ها روس تبار حضور روسیه در منطقه را نیز موجه می‌نماید. این کشور از نظر اقتصادی هم قادر به سرمایه‌گذاری در بخش فرهنگ و آموزش در داخل و خارج کشور نیست؛ زیرا در این حوزه با مشکلات فراوانی روبرو است. به عنوان نمونه اتحادیه اروپا مبلغ یک میلیون یورو جهت رایانه ای کردن سیستم کتابخانه‌های روسیه کمک مالی نمود. علاوه بر این بنیاد «سوروس» نیز چند سال است به کتابخانه‌های روسیه کمک می‌کند. مراکز فرهنگی، هنری، علمی، آموزشی و تحقیقاتی موجود در جمهوری‌های مستقل شده یادگار دوره کمونیستی است و اکنون نیز تعاملات و ارتباطات خود را حفظ کرده اند. در سال ۲۰۰۵ گروه تناثر روسیه به تعداد ۹۷ تن به اجرای برنامه‌های مهیج و پرجاذبه در تاجیکستان پرداختند. همین طور از سوی سفیر روسیه در دوشنبه تعداد پنج هزار جلد کتاب به کتابخانه‌های این شهر اهداء گردید.

۲- چین

کشور چین با داشتن تاریخ پنج‌هزار ساله در کنار توسعه اقتصادی و تسخیر بازارهای جهانی با تعامل صحیح و سازنده در قلمرو فرهنگ نیز جایگاه مهمی در منطقه و بلکه در جهان به دست آورده است. عضویت این کشور در پیمان‌های منطقه‌ای شانگهای، آسه‌آن و آپک بر قدرت‌اش در منطقه افزوده است. الگو برداری از توانمندی فرهنگ‌های مختلف جهان و نگهداری فرهنگ ملی و بومی همگام با معرفی دستاوردهای فرهنگی به جهان هدف اساسی سیاست فرهنگی کشور چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی و سومین قدرت نظامی جهان است. چینی‌ها هیچ‌گاه خود را بی‌نیاز از ملت‌ها و کشورها نمی‌دانند و با عمل به شعار «اگر دشمن به تو شیرینی داد آن را قبول کن» در پیشبرد اهداف منطقه‌ای و جهانی نقش بسزایی داشته‌اند. دستگاه‌های فرهنگی چین نیازهای فکری مردم را در سطح منطقه و جهان با

چشم‌انداز توسعه ۵۰ ساله خود را تدوین نموده و با داشتن همه شاخص‌های قدرت سنتی و نو در مرحله‌ی صعود از نردبان ترقی است.

۳- هند

راه بستن بر گسترش رابطه کشورهای آسیای مرکزی با پاکستان بر مبنای مشترکات دینی یکی از اهداف دولت هند است. از این‌رو، دولتمردان این کشور هیچ‌گاه از برقراری روابط گسترده و فعال با دولت‌های آسیای مرکزی غافل نبوده‌اند. دهلی نگرانی خود را از بازار کشورهای اسلامی موسوم به (اکو) کتمان نکرده است. بر همین پایه، بیشترین تلاش این کشور در منطقه و بلکه در جهان موفقیت در صنعت سینما، صنعت نشر و تولید نرم‌افزار و صنایع سنگین به ویژه فولاد بوده است. هند برنامه چشم‌انداز ۲۰۲۰ را سرلوحه کار خود قرار داده و در بخش صنعت و انرژی همچنان پیشتاز است. تبادل استاد و دانشجو بین هند و کشورهای آسیای مرکزی نیز چشمگیر است.

۴- ترکیه

ترکیه به‌عنوان دولتی ترک به کمک و حمایت از کشورهای تازه استقلال یافته برخاسته است. آنکارا با نظر داشت منافع ژئوپلیتیک خود در هریک از این جمهوریهای مستقل شده، هدف مهمتری را دنبال کرده و آن عبارت است از احیای فرهنگ ترک و گسترش ایده پان ترکسیم. استراتژی فرهنگی ترکیه برای نیل به این مقصد همواره بر قلم استوار بوده و به همین جهت تأسیس مدارس و دانشگاههای مستقل یا مشترک را در هر یک از جمهوری‌ها در سرلوحه‌ی کار خود قرار داده است. دانشگاه مشترک قزاق - ترک (خواجه احمد یسوی) در قزاقستان دلیل روشنی بر این ادعا می‌باشد. تأسیس کالج‌های زبان ترکی، برگزاری کنفرانس‌های مشترک، تأسیس فروشگاههای زنجیره‌ای با عرضه محصولات ترک، دایر کردن رستوران‌های غذاخوری، اعزام مبلغ و مدرس دینی، مرمت و بازسازی اماکن دینی و مذهبی از شیوه‌ها و برنامه‌های رایج ترکیه در این کشورهاست. اکنون به شرح عملکرد سیاست‌های فرهنگی، آموزشی و دینی این کشور در آسیای مرکزی می‌پردازیم:

الف) سیاست فرهنگی:

ملیت‌گرایی نخستین اصلی است که از سوی شورای عالی فرهنگی ترکیه جهت اجرا به وزارت فرهنگ این کشور ابلاغ گردیده است. مشکلات فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز در طول هفتاد سال حکومت شوروی سابق این فرصت را برای ترکیه فراهم آورد تا پس از اسقلال دست یاری به سوی آنها دراز کند و به گسترش ملیت‌گرایی و تشکیل دولت بزرگ ترک بیاورد. بدین منظور درست پس از فروپاشی شوروی، دو سازمان نیمه دولتی «بنیاد زبان ترک» و «بنیاد تاریخ ترک» که هر دو وابسته به مؤسسه عالی فرهنگ، زبان و تاریخ آتاتورک‌اند مسئولیت القای سیاست فرهنگی ترکیه به کشورهای حوزه آسیای مرکزی و قفقاز را برعهده گرفتند. با گذشت زمان و فرصت اندیشیدن، جمهوری‌های مستقل شده دریافتند که ترکیه نمی‌تواند برای آنها دایه‌ی مهربان‌تر از مادر باشد. با این بیداری ترکیه مجبور شد از طریق نفوذ اقتصادی به فعالیت خود ادامه دهد.

ب) سیاست آموزشی:

ترکیه با دو روش رسمی و غیررسمی به گسترش نفوذ خود در این جمهوری‌ها ادامه داد. برای دستیابی به اهداف مورد نظر به افتتاح مدارس و مراکز آموزشی پرداخت و امکانات لازم جهت ادامه تحصیل دانشجویان این کشورها را در ترکیه فراهم ساخت. در این خصوص عقد قراردادهای همکاری بین دانشگاههای ترکیه نظیر آنکارا، استانبول، اژه، مرمره، غازی، با دانشگاههای جمهوری‌های آسیای مرکزی آغاز شد. بنیادها و سازمان‌های متعدد از قبیل بنیاد آموزشی ترکیه، بنیاد ادبیات ترک، بنیاد آموزش ملی و بنیاد پژوهشهای علمی و بنیاد فرهنگ و آموزش، نقش اساسی در القای سیاست آموزشی ترکیه به جمهوری‌های آسیای مرکزی داشته و دارند. به عنوان مثال بنیاد آموزشی ملی، به هر کدام از مدارس که قرار بود از سوی ترکیه در باکو و بیشکک احداث شود مبلغ یکصد هزار دلار کمک مالی کرد. بعضی از بنیادها کنفرانس‌هایی را ترتیب دادند و از این راه سیاست آموزشی ترکیه را به خارج از مرزهای آن کشاندند. در گسترش سیاست آموزشی ترکیه، فتح الله گولن و جماعت وی نقش مهمی دارند. وی توانسته

در آخرین سندی که ۲۵ سپتامبر سال ۲۰۰۲ در آلماتا امضا شد بر توسعه هر چه بیشتر همکاری میان دو کشور جهت اجرای طرح‌های کلان آموزشی تأکید شده است.^۱ ترکیه در دیگر کشورهای آسیای مرکزی به همین شیوه فعالیت آموزشی خود (تأسیس مدارس، تبادل استاد و دانشجو، تأسیس کالج زبان ترکی، اعطای بورسیه تحصیلی) همچنان ادامه می‌دهد.

ج) سیاست دینی

تمام فعالیت‌های دینی ترکیه از سوی سازمان امور دیانت که نهادی دولتی و وابسته به نخست وزیری است انجام می‌شود. با اینکه در قانون اساسی ترکیه دخالت دولت در امور دینی منع شده اما دولت با تأسیس این سازمان، سیاست‌های دینی خود را از طریق آن اجرا می‌کند. فعالیت‌های ساختمانی بنیاد مذکور از این قرار است: احداث و مرمت مسجد در جمهوری‌های آذربایجان، قرقیزستان، نخجوان، قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان. همچنین این سازمان به منظور چاپ کتاب و نشریات در سال ۱۹۹۴ چاپخانه‌ای در آذربایجان تأسیس کرد و در یک اقدام فراگیر دو میلیون نسخه قرآن کریم منتشر و به جمهوری‌های مسلمان آسیای مرکزی ارسال نمود. اعزام مبلغ و مدرس دینی از اقدام‌های دیگر سازمان امور دیانت است. تنها در جمهوری قرقیزستان تا سال ۲۰۰۱، نهصد مبلغ فعالیت داشته که ۶۰۰ تن مسیحی و ۲۰۰ تن مسلمان و ۳۰۰ تن متعلق به جریان‌های فکری سایر مذاهب بوده‌اند. کشورهای ترکیه، مصر، عربستان و پاکستان، به ترتیب، بیشترین اعزام را داشته‌اند.

در مجموع و با وجود فعالیت‌های گسترده ترکیه در آسیای مرکزی، می‌توان گفت این کشور در سال‌های اخیر با بی‌توجهی دولت‌های منطقه مواجه شده است. در قزاقستان به دلیل ملیت‌گرایی قزاق‌ها که مخالف ملیت‌گرایی ترک است و اینکه ترکیه یک رقیب محسوب می‌شود، آنکارا در بین دولتمردان و مردم قزاقستان جایگاه قبلی خود را از دست داده است. عدم شرکت هیأت ترکیه در کنفرانس «ادیان جهانی» که زیر نظر رئیس‌جمهور قزاقستان در ۲۵ سپتامبر ۲۰۰۳ در آستانه پایتخت این کشور برگزار شد، نشانی از این امر است. بازگشت تمامی دانشجویان از یکی شاغل به تحصیل در ترکیه به کشور خود، اخراج فتح الله گولن (مؤسس و بانی مدارس ترکیه

است با تلفیق آموزش و تجارت در برنامه‌های خود توفیق یابد. امروز انجمن گولن در بیش از ۵۰ کشور جهان سرمایه‌گذاری آموزشی کرده و مدارس آن به ۵۰۰ و دانشگاه‌هایش به شش رسیده است. به گفته مسئولین این مدارس، فرزندان رؤسای جمهوری‌های شورهایمانند قزاقستان، قرقیزستان، و ترکمنستان و فرزندان وزرای این کشور در این مدارس تحصیل می‌کنند. ترکیه در سال ۱۹۹۱ در قزاقستان دانشگاه بین‌المللی قزاق ترک (خواجه احمد یسوی) در شهر ترکستان را تأسیس کرد که هم‌اکنون ۳۵۰۰ دانشجو در آن تحصیل می‌کنند. همچنین دانشگاه دیگری بنام سلیمان دمیرل از سوی رؤسای جمهور دو کشور در سال ۱۹۹۶ تأسیس شد. فارغ‌التحصیلان این دانشگاه در مؤسسه‌ها، بانک‌ها و شرکت‌های خصوصی مشغول به کار می‌شوند.

از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۰۲ حدود سه هزار دانشجو از قزاقستان برای تحصیل در دانشگاه‌های ترکیه به این کشور اعزام شده و حدود هزار دانشجو از ترکیه در بهترین دانشگاه‌های قزاقستان از قبیل دانشگاه آبی، فارابی و قزاقستان جنوبی مشغول تحصیل‌اند. دانشجویان در بدو ورود به مدت یکسال زبانی ترکی و روسی فرا می‌گیرند. در جدول زیر آمار مربوط به دانشجویان اعزامی از قزاقستان به ترکیه در سال‌های مذکور دیده می‌شود:

سال تحصیلی	دوره متوسطه	لیسانس	فوق لیسانس
۱۹۹۲-۱۹۹۳	۱۷۷	۱۳۷۷	—
۱۹۹۳-۱۹۹۴	—	۲۴۰	—
۱۹۹۴-۱۹۹۵	—	۱۰۴	۵
۱۹۹۵-۱۹۹۶	—	۱۰۵	۹
۱۹۹۶-۱۹۹۷	—	۹۹	۹
۱۹۹۷-۱۹۹۸	—	۱۳۵	۴۰
۱۹۹۸-۱۹۹۹	—	۱۱۰	۴۰
۱۹۹۹-۲۰۰۰	—	۹۰	۶۰
۲۰۰۰-۲۰۰۱	—	۸۰	۷۰
۲۰۰۱-۲۰۰۲	—	۱۰۰	۵۰
۲۰۰۲-۲۰۰۳	—	۹۰	۶۰
جمع	۱۷۷	۲۴۴۰	۲۸۳

مهار و جلوگیری از نفوذ ایران به روش‌های مخصوص و متفاوتی در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز عمل کرده است. به عنوان مثال، در کشورهایی مانند ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان به لحاظ مشکلات قاچاق مواد مخدر، افراط‌گرایی و فقر به حمایت‌های نظامی و کمک‌های اقتصادی مبادرت ورزیده است. کمک بلاعوض آمریکا به این کشورها مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار بوده است و دولت‌های این کشورها در بدو امر از حضور و استقرار پایگاه‌های نظامی آمریکا استقبال کردند. در قزاقستان که از نظر اقتصادی و امنیت از شرایط بهتری برخوردار است، از شیوه دیگری استفاده کرده که عبارت است از اجرای قانون و توسعه آزادی‌های انسانی در بین شهروندان قزاقستان که در بیانیه مشترک بین رؤسای جمهوری دو کشور اعلام گردید. بر همین اساس، کارکنان دایره حقوق بشر سفارت آمریکا در آلماتا در ارتباط مستمر با مردم بوده تا از نقض حقوق بشر و قانون گزارش تهیه کنند.^۲ در جمهوری ترکمنستان از اهرم‌های دیگری برای حضور و نظارت هر چه بیشتر خود در عرصه حیات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی کشورهای مذکور بهره می‌برد. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نیز بهانه خوبی بود تا آمریکا با هدف تأمین قدرت جهانی در منطقه، حضور و سلطه خود را گسترش دهد. در جدول زیر میزان کمک‌های امنیتی آمریکا به کشورهای آسیای مرکزی از نظر خوانندگان می‌گذرد.^۳

نام کشور	سال ۲۰۰۱	سال ۲۰۰۲
قزاقستان	۷۱/۵	۸۱/۶
قرقیزستان	۴۰/۶	۴۹
ازبکستان	۵۵/۹	۱۶۱/۸
تاجیکستان	۵۶/۴	۸۵/۳
ترکمنستان	۱۲/۲	۱۶/۴
جمع	۲۴۴/۲	۴۰۸

• ارقام به میلیون دلار است .

آمریکا در عرصه‌ی آموزش و امور فرهنگی نیز تلاش دارد برتری خود را نسبت به رقبای دیگر در منطقه حفظ نماید که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

در آسیای مرکزی، اخراج عبدالقادر سزگین رایزن دینی ترکیه از آذربایجان، و کاهش تعداد مبلغین ترک در آسیای مرکزی، از محدود کردن حوزه نفوذ ترکیه توسط دولت‌های آسیای مرکزی در منطقه حکایت دارد.

۵ - کشورهای اروپایی:

اتحادیه اروپا پس از فروپاشی و ورود کشورهای استقلال یافته به سازمان امنیت و همکاری اروپا و دیگر نهادهای اروپایی، به گسترش منافع اروپا در این کشورها پرداخت. کشورهای اروپایی به منابع طبیعی به‌ویژه ذخایر انرژی منطقه‌ای آسیای مرکزی بالاحص در قزاقستان و ترکمنستان توجه خاص مبذول داشته‌اند. از بعد فرهنگی نیز کشوری مانند آلمان با تأسیس انستیتوی گوته در بیش از ۱۲۰ کشور جهان از جمله در قزاقستان به ارائه خدمات علمی، فرهنگی و آموزشی پرداخته است. آلمانی‌های ساکن شوروی که حدود ۳۰۰ هزار نفر هستند و پس از جنگ جهانی دوم در این کشور زندگی می‌کنند در استفاده از خدمات در اولویت قرار دارند. آثار بیش از دویست نویسنده آلمانی در قزاقستان منتشر شده و در استان‌هایی که آلمانی‌ها اقامت دارند مرکز فرهنگی آنها فعال است. انگلیس هم با تأسیس دانشگاه مشترک قزاق - بریتانیا در آلماتا بر دامنه فعالیت‌هایش افزوده است. تنها نشریه‌ای که به زبان انگلیسی چاپ می‌شود هفته نامه «آلماتی هرالده» است.

۶ - آمریکا

واشنگتن اهداف متعددی را در آسیای مرکزی و قفقاز دنبال می‌کند. این اهداف می‌تواند سیاسی، نظامی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و آموزشی باشد. جلوگیری از خیزش اسلامی، مه‌ار ایران، پیش‌گیری از نفوذ روسیه و اجرای طرح خاورمیانه بزرگ بخشی از اهداف آمریکا در منطقه محسوب می‌شود. این کشور به نقاط ضعف و آسیب‌پذیری هر یک از کشورهای منطقه آگاه بوده و نیز نسبت به قابلیت‌های مهم ج.ا.ایران در منطقه و جهان آشناست. در روند تحقق طرح خاورمیانه بزرگ، برای آمریکا قابل تحمل نیست که مسیرهای انتقال انرژی از ایران باشد و از این بابت هرگز ناراضیتی خود را از ایران پنهان نکرده و به منظور

گسترده ای در بسیاری از کشورهای جهان از جمله آسیای مرکزی و قفقاز دارد. این بنیاد با هدف نفوذ در میان دولتمردان از طریق مجامع و سازمان های غیردولتی ایجاد ارتباط می کند. جورج سوروس یکی از سرمایه داران بزرگ یهودی مقیم آمریکا است که در جهت اهداف آمریکا با دولت و نیروهای امنیتی این کشور همکاری دارد. بنیاد مذکور شعبه های مختلفی در قفقاز و آسیای مرکزی دایر کرده است و بیشترین حجم فعالیت آن در کشور ارمنستان و در قالب طرح های تحقیقاتی، آموزشی، فرهنگی، بهداشت عمومی، چاپ و نشر و اینترنت می باشد.

۷ - ایران

ایران به عنوان قدرت منطقه ای و به لحاظ علایق مشترک فرهنگی، تاریخی و دینی با آسیای مرکزی و قفقاز و همسایگی با برخی از آنها و نیز موقعیت ژئوپلیتیک اش جایگاه مهمی در منطقه دارد. ایران دارای ابزارهای نفوذی مانند زبان فارسی، میراث مشترک فرهنگی و دین اسلام در منطقه است.

اهمیت استراتژیک جمهوری اسلامی ایران از نظر اقتصادی و جابه جایی کالا به خصوص نفت و گاز بر کسی پوشیده نیست. از این رو، انتظار می رفت از تهدیدها و فرصت هایی که با فروپاشی شوروی پدید آمد بیشتر و بهتر استفاده کند. البته در این خصوص، دیدگاه های انتقادی در داخل و خارج کشور بر عملکرد فرهنگی ج.ا.ایران، و بلکه اعمال سیاست خارجی در آسیای مرکزی وجود دارد که باید به طور مستقل مورد بررسی قرار گیرد. آن چه مسلم است ایران در بین رقبای منطقه با وجود فقدان استراتژی فرهنگی مدون و در تلاش برای کاستن از حساسیت های برخی از دولتها نسبت به فعالیت هایش دستاوردهای نسبتاً خوبی در هریک از کشورها و در مجموع در منطقه داشته است. توجه به نخبگان علمی و فرهنگی جمهوری های آسیای مرکزی و تبادل هیأت های علمی، فرهنگی و هنری، ترویج و گسترش زبان فارسی در برخی از این کشورها به ویژه تاجیکستان و قزاقستان از طریق تأسیس اتاق های ایران، افزایش و تقویت کرسی های زبان فارسی، برگزاری دوره های دانش افزایی، معرفی و ترویج فرهنگ و تمدن ایرانی از طریق برگزاری هفته های فیلم، موسیقی، نمایشگاه، شب های شعر، چاپ و توزیع کتاب، بخشی از این دستاوردها بوده است. اما این همه

الف) همکاری های علمی - آموزشی و دانشگاهی؛ شامل: راه اندازی و تأسیس دانشگاه های مشترک از قبیل دانشگاه قرقیز - آمریکا در پیشکک، دانشگاه قزاق - آمریکا در آلماتا و تجهیز کتابخانه های مهم این کشورها به وسایل کمک آموزشی، مانند دانشگاه آبیلاخان در قزاقستان و همکاری الکترونیکی کتابخانه ای با کتابخانه ملی جمهوری قزاقستان جهت تبادل و انتقال سریع کتاب.

ب) جذب و گزینش دانش آموزان تیزهوش و مستعد سال پایانی دبیرستان؛ این برنامه با هدف جذب بهترین دانش آموزان و اعزام آنها برای تحصیل در مدارس آمریکا و زندگی با خانواده های آمریکایی در کوتاه مدت (یک سال) انجام می شود در دانشگاه ها نیز از سوی شورای مبادلات و پژوهش های بین المللی موسوم به "IREX" از طریق کنکور بهترین ها را برای تحصیل در کالج ها و دانشگاه های آمریکا برمی گزینند. این برنامه ها با عنوان «تبادل رهبران آینده» به اجرا درمی آید و از سوی بخش ارتباطات آموزشی و فرهنگی وزارت امور خارجه حمایت مالی می شود. تنها در ترکمنستان از سال ۱۹۹۳ تا کنون بیش از ۷۰۰ تن از اتباع این کشور در آمریکا تحصیل کرده اند.^۴ در قرقیزستان نیز دانشگاه مشترک آمریکا قرقیز به تربیت دانشجوی در رشته های مورد نیاز مشغول است.

ج) اعزام سپاه صلح؛ که این سپاه به صورت داوطلبانه از بین دختران و پسران آمریکایی به منظور آموزش زبان انگلیسی و مساعدت در امور بهداشتی و پزشکی و تغذیه نوزادان و بانوان به کشورهای منطقه اعزام می شود. در ترکمنستان از سال ۱۹۹۳ براساس موافقتنامه همکاری بین دو کشور این فعالیت آغاز شده است و تاکنون حدود ۴۰۰ تن در قالب ۱۳ گروه آموزشی مأموریت خود را به انجام رسانده اند. مدت مأموریت سپاه مذکور دو سال است و اعضای آن قبل از آغاز رسمی کار خود، در دوره های اجباری که به منظور آموزش زبان ترکمنی و آشنایی با خصوصیات فرهنگی، معیشتی و آداب و رسوم مردم ترکمنستان برگزار می شود، شرکت می کنند.

د) بنیاد سوروس؛ در میان مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی، بنیاد سوروس که یک مرکز غیردولتی است، فعالیت منسجم و

منطقه از جهان (آسیای مرکزی و قفقاز) و دخالت دادن سایر دستگاه‌های فرهنگی کشور در امر مشارکت در عرصه سیاست و فرهنگ ضرورت دارد.

۴) تلفیق فعالیت‌های فرهنگی با امور اقتصادی از راه فعالیت نهادهای غیردولتی و شرکت‌های خصوصی مددکار دولت خواهد بود و از نظر تأثیرگذاری و هزینه مقرون به صرفه است.

۵) پرهیز و اجتناب از اقدام‌های غیررسمی در حوزه دین و ماندگار کردن فعالیت‌های فرهنگی حضور جمهوری اسلامی ایران را درازمدت تضمین می‌کند.

۶) زیر نظر داشتن فعالیت‌های رقبا در منطقه و ایجاد توازن در انجام مبادلات فرهنگی با هر یک از کشورها و نیز توسعه توریسم فرهنگی نتایج ثمربخشی در پی خواهد داشت.

۷) استفاده از همه ظرفیت‌های موجود در عرصه بین الملل مانند سازمان یونسکو، مؤسسه فرهنگی اکو و سازمان کنفرانس اسلامی، فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی ج.ا.ایران را تقویت خواهد کرد.

برای نیازهای امروز کافی نیست. کسانی که با مسایل فرهنگی در روابط بین الملل آشنا هستند می‌دانند با وجود آوازه بلند و شهرت فراوان، ایران نزد برخی از ملت‌ها به طور دقیق و مشخص معرفی نشده است.

همین مسأله در مورد اسلام و انقلاب اسلامی صدق می‌کند. در بسیاری از محافل علمی و فرهنگی، آثار و مشاهیر ایران و اسلام را به عرب‌ها و ترک‌ها نسبت می‌دهند. ایران در کشوری مانند قرقیزستان به عنوان دموکرات‌ترین جمهوری تا زمان سقوط رئیس‌جمهور پیشین آن (عسگرآقیف) - که خود چهره فرهنگی بود - نمایندگی فرهنگ نداشته و اکنون نیز ندارد. همچنین در ازبکستان که حدود ۴ میلیون تاجیک زندگی می‌کنند عملاً از خدمات فرهنگی ج.ا.ایران تنها بدلیل عدم وجود موافقت‌نامه فرهنگی بین دو کشور خبری نبوده و تنها در یکی دو سال اخیر اقدام‌هایی صورت گرفته است.

برای اینکه ابزار نفوذ جمهوری اسلامی ایران که به آن اشاره شد فرسودگی و کندی به خود نگیرد و فاصله با رقبای دیگر کمتر شود لازم است:

۱) برای هر کشور متناسب با خاستگاه‌های فرهنگی، پیشینه روابط فرهنگی برنامه‌های کوتاه و بلند مدت تدوین شود.

۲) در اعزام سفیران و رایزنان فرهنگی و سایر نیروهای اجرایی باید اولویت را به عناصر کارآمد و دلسوز، آشنا به زبان منطقه و صاحب نظر در مسایل فرهنگی و بین‌المللی داد. با نگاهی مقایسه‌ای به کارنامه برخی از نمایندگی‌های سیاسی و فرهنگی در قبل و بعد از انقلاب اسلامی این خلأ همچنان محسوس است.

۳) توافق و یکسان‌نگری وزارت امور خارجه با سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی نسبت به اهمیت و موقعیت این

۱- به نقل از سخنان رایزن فرهنگی ج ایران در تاجیکستان در نشست فرهنگی با کارشناسان اداره فرهنگی آسیای مرکزی و قفقاز مرداد ۸۴.
۲- وزارت امور خارجه آمریکا - دایره دموکراسی حقوق بشر - اینترنت ۱۷ اکتبر ۲۰۰۲.
۳- مجموعه مقالات فرهنگی شماره ۱۷ - دی ماه ۱۳۸۱ - رایزنی فرهنگی سفارت ج.ا.ایران - آنکارا
۴- مجله چشم انداز - سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی - فروردین ۱۳۸۲.

% اندیجان - کارشی خان آباد و تداوم تبلیغات ضد آمریکایی در مطبوعات ازبکستان

مترجم: پرویز قاسمی*

گسترش مناسبات با این کشورها را در دستور کار قرار داد. همزمان مطبوعات و شبکه های رادیویی و تلویزیونی این کشور

به دنبال بروز حوادث اخیر در ازبکستان و اختلاف بوجود آمده در روابط و مناسبات بین آمریکا و این جمهوری آسیای مرکزی، برخی از مطبوعات و رسانه های گروهی ازبکستان اقدام به درج مطالب و مقالات انتقاد آمیزی علیه آمریکا نموده اند. حجم و دامنه انتقادات تا حدی است که این سؤال را در اذهان متبادر ساخته است که آیا واشنگتن در چنین وضعیتی و بویژه به دنبال تصمیم تاشکند برای اخراج نیروهای نظامی آمریکایی از پایگاه هوایی «کارشی خان آباد» خواهد توانست نفوذ و تأثیر دیپلماتیک خود را همچنان حفظ نماید.

در سطح گسترده ای به درج مقالات و پخش برنامه های انتقادآمیز علیه آمریکا پرداختند. تبلیغات ضد آمریکایی در مطبوعات این کشور حتی پس از اعلام لغو قرارداد اجاره پایگاه هوایی نیز ادامه داشته است. از مجموعه این اقدامات اینگونه استنباط می شود که گویا تاشکند در شرایط کنونی تمایلی به ادامه همکاری با واشنگتن ندارد. در هفته های اخیر حتی در مطبوعات ازبکستان مطالب و گزارشهایی مبنی بر همکاری مشترک آمریکا و گروههای اسلامی به منظور سیطره بر آن کشور درج گردیده است. روزنامه «تاشکند حقیقی» (حقیقت تاشکند) طی مقاله ای در شماره مورخه ۱۳ اوت اینگونه نوشته است که «آمریکا به ازبکستان و منابع طبیعی آن چشم طمع دوخته است.» بیشتر مطبوعات ازبکستان در مقالات و نوشتارهای خود همچنین موضوع حمایت آمریکا از پناهندگان ازبکی که به دنبال حوادث اندیجان به قرقیزستان پناه برده اند را مورد توجه قرار داده و به آن می پردازند. دولت ازبکستان بر بازگشت پناهندگان مذکور اصرار می ورزد، ولی سازمانهای بین المللی با حمایت آمریکا تعدادی از این پناهندگان (تقریباً ۴۴۰ نفر) را موقتاً به رومانی انتقال داده اند. همچنین بر اساس گزارشها و

مقامات آمریکایی پس از تصمیم ازبکستان در ماه ژوئیه مبنی بر لغو موافقت نامه اجاره پایگاه هوایی «کارشی - خان آباد» تمایل خود را برای تداوم همکاریها در زمینه ها مختلف استراتژیک از جمله مبارزه با گروههای اسلامی رادیکال در آسیای مرکزی و نیز جلوگیری از ترانزیت و قاچاق مواد مخدر از افغانستان ابراز داشته اند. پس از حوادث ماه می شهر اندیجان و بدنبال آتش گشودن نیروهای ازبکی بسوی غیرنظامیان و کشته شدن صدها تن از آنان، دولت ازبکستان بطور غیرمنتظره و در مانور و چرخشی تاکتیکی و استراتژیک، نزدیکی هر چه بیشتر به روسیه و چین و

* کارشناس آسیای مرکزی و قفقاز. این مقاله از سایت Fargana.ru اقتباس شده است.

اطلاعات برخی منابع محلی، قریب به ۱۰۰۰ پناهنده نیز هنوز در قرقیزستان به سر می‌برند. مقامات ازبک، پناهندگان را به دست داشتن در حوادث اخیر و تلاش برای شورش اسلامی متهم می‌نمایند. در مقاله «تاشکند حقیقی» همچنین آمده است: «آنان که دستانشان به خون مردم عراق آلوده است اکنون از این مجرمان (ازبکهای پناهنده شده به قرقیزستان) حمایت می‌نمایند.»

انتقال اولین گروه از پناهندگان ازبک به رومانی

روزنامه «ازبکستان آوازی» (صدای ازبکستان) نیز در مقاله ای در مورخه ۲ آگوست ۲۰۰۵ آمریکا را به تحریک و دامن زدن به اختلافات بین دو کشور ازبکستان و قرقیزستان متهم نموده است: «آمریکا به شدت به دنبال ایجاد اختلاف و درگیری بین دو کشور همسایه و برادر می‌باشد.» مطبوعات ازبکستان مسئولیت حوادث اندیجان را تنها و تنها متوجه گروههای اسلامی رادیکال می‌دانند. بلافاصله پس از تظاهرات اندیجان «ازبکستان ادبیاتی و صنعتی» (ادبیات و هنر ازبکستان) اقدام به درج سلسله مقالات در محکومیت تظاهر کنندگان اندیجان نموده و آنان را افرادی «افراطی» و «متعصب» معرفی نمود. عبدالله اوریپوف شاعر مشهور ازبک، رئیس اتحادیه نویسندگان و یکی از وفادارترین هواداران اسلام کریم اف رئیس جمهور ازبکستان، از اولین نویسندگانی بود که مقالات وی در این خصوص در نشریه مذکور چاپ و منتشر گردید. نامبرده در مقاله خود به تعریف و تمجید از اسلام کریم اف پرداخته و از او به عنوان مدافع واقعی مردم، میهن و دولت ازبکستان نام می‌برد. نشریه «ادبیات و هنر ازبکستان» همچنین اقدام به درج و انعکاس احساسات و واکنشهای خشمگینانه گروههای مختلفی از شهروندان ازبک در مخالفت به تظاهر کنندگان و نیز مطبوعات و رسانه های خارجی که اقدام نیروهای نظامی و ارگانهای امنیت ازبکستان را مورد انتقاد قرار می‌دادند نموده است.

تا قبل از استقلال ازبکستان در سال ۱۹۹۱ روزنامه «ازبکستان ادبیاتی و صنعتی» (ادبیات و هنر ازبکستان)، با درج مطالبی در خصوص لزوم پذیرش زبان ازبکی به عنوان زبان رسمی و نیز رفع انحصار از صنایع پنبه در کشاورزی، دفاع از مسائل زیست محیطی

دریاچه اورال و تشکیل و تقویت جامعه فرهنگی و دینی آسیای مرکزی به عنوان یکی از متقدترین نشریات در این جمهوری محسوب می‌شد. این نشریه در ادامه و با گذشت زمان اقدام به درج مقالاتی در حمایت از فعالیتهای حزب «ارک» (آزادی) - مهمترین حزب مخالف دولت ازبکستان - نمود. محمد صالح رهبر این حزب از سال ۱۹۹۳ در تبعید به سر می‌برد. در سالهای اولیه استقلال، نشریه مذکور گهگاه مواضع انتقادی نسبت به دولت از خود نشان می‌داد. به عنوان مثال در سال ۱۹۹۲ نیروهای امنیتی ازبکستان تظاهرات دانشجویان دانشگاه تاشکند را سرکوب نمودند که در نتیجه آن تعدادی از دانشجویان کشته و عده ای نیز مجروح شدند.

بر خلاف مواضع کنونی این نشریه در خصوص حوادث اندیجان «ازبکستان ادبیاتی و صنعتی» در آن زمان نسبت به سرکوب و کشتار بی دلیل دانشجویان عمیقاً ابراز تأسف نموده و خواستار انجام تحقیقات در این زمینه شد.

در بیانیه ای که در آن زمان توسط تعدادی از نویسندگان و روشنفکران برجسته ازبکستان در صفحه اول این نشریه درج و منتشر گردید، از اسلام کریم اف خواسته شده بود کمیسیون ویژه ای را جهت بررسی و تحقیق در خصوص علل این اقدام - سرکوب دانشجویان - تشکیل دهد. لازم به ذکر است که خود کریم اف نیز اعتراف نمود که سربازان حق شلیک به سوی دانشجویان را نداشته اند. در این بیانیه که در تاریخ ۲۴ ژانویه سال ۱۹۹۲ به چاپ رسیده است، نویسندگان ازبک اعلام داشتند که تداوم اعمال زور، در آینده می‌تواند دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون را به مخاطره بیندازد.

بیش از سه ماه از حوادث اندیجان سپری شده است، ولی نشریه «ازبکستان ادبیاتی و صنعتی» هنوز نه تنها بطور کامل به تشریح دلایل و چگونگی این حوادث نپرداخته است بلکه در مقابل، با درج مقالات و گزارشهای متعددی بطور مرتب سازمان دهندگان تظاهرات اندیجان و شرکت کنندگان در آن را مورد حمله و انتقاد قرار داده و از آنها بعنوان اسلامگرایان رادیکال نام می‌برد. تحلیلها و دیدگاههای نشریه «ازبکستان ادبیاتی و صنعتی» در خصوص

گزارش یکی از مفسرین بی بی سی در خصوص رویدادهای اندیجان و برخورد نیروهای نظامی ازبکستان با تظاهر کنندگان را مورد اشاره قرار داده و اظهار داشته که رادیو بی بی سی در بررسی و تحلیل آن بیش از اندازه مبالغه و بزرگ نمایی کرده است. در ادامه این مقاله اظهارات یکی از شهروندان محلی درج شده است که ادعا نموده است بلافاصله پس از گوش دادن به اخبار بی بی سی، شخصاً به خیابان آمده و با وجود گزارش مبالغه آمیز این رادیو، مشاهده نموده است اوضاع کاملاً عادی است و مغازه ها و فروشگاهها کار می کنند. در پایان مقاله به نقل از این شهروند اندیجانی آمده است:

«این روزنامه نگاران خارجی باید از بابت چنین مزخرفاتی واقعاً شرم نمایند.»

حوادث ازبکستان تقریباً هیچ تمایزی با تحلیلهای دیدگاههای سایر مطبوعات و رسانه های این کشور ندارد .

تمامی مقالات و گزارشهای منتشر شده در خصوص این مسأله، تقریباً حصول و دستیابی به دو هدف عمده را دنبال می نماید:

- احساس تکلیف تمامی شهروندان ازبک نسبت به لزوم حمایت از دولت این کشور در مبارزه با تروریستها و افراط گرایان.
- اطمینان مردم ازبکستان به دولت این کشور در دوران پس از استقلال از بابت مدنظر قرار دادن خواستها و مطالبات دینی شان.

آن نشریه طی مقاله ای در سوم ژوئن، رادیکالها را به تلاش برای برقراری حکومت خلاف قرون وسطایی متهم و ابراز عقیده کرده است که ایده های خلاف به هیچ وجه مورد پذیرش مردم ازبکستان قرار نخواهد گرفت. در مقاله ای دیگر (۲۷ می) نشریه مذکور را از اقدامات نیروهای امنیتی در جریان حوادث اندیجان دفاع نموده و نوشته است: «دخالت نیروهای امنیتی ازبکستان در حوادث اندیجان تا حدود بسیار زیادی از اعمال زور و فشار بیشتر کاسته و چنانچه مقامات ازبکی اقدامات مقتضی را اتخاذ نمی نمودند تعداد قربانیان به مراتب بیشتر می شد. در این صورت شکی نبود که هیچکس نمی توانست در مقابل انبوه جمعیت - که می توانست به سوی فرغانه و سپس تاشکند سرازیر شود - توان و یارای مقابله داشته باشد.»

امروز بسیاری از مفسرین و تحلیلگرایان، در مقالات خود ازبکها را به میهن پرستی فرا می خوانند. در مقاله ای که چهار هفته پس از حوادث اندیجان در یکی از روزنامه ها به چاپ رسیده است وظیفه و رسالت اصلی هنرمندان و روشنفکران ازبکی در وضعیت کنونی، ایستادگی و مقاومت در مقابل تروریستها و کسانیکه به تهمت و افترا و بازیها سیاسی دامن می زنند اعلام شده است.

نشریه «ازبکستان ادبیاتی و صنعتی» همچون سایر نشریات دوره ای این کشور در مقالات خود انعکاس حوادث اندیجان در مطبوعات و رسانه های خارجی و به ویژه غربی ابراز خشم و انزجار نموده است. به عنوان نمونه این نشریه در مقاله ای،

% سال تمدن آریایی در تاجیکستان و رقابت ایدئولوژیها

نگارنده: پولات شوزیموف

مترجم: رامین قنبرپور*

محدود کردن آزادی بیان می تواند پیامدهای خطرناکی را در پی داشته باشد.

وضعیت ازبکستان با تاجیکستان مرتبط است، به این ترتیب که در هر دو کشور رابطه تنگاتنگی بین دین و سیاست وجود دارد. بعد از مذاکرات طولانی و پیچیده بین حزب مخالفان متحد تاجیکستان و دولت تاجیکستان از سال ۱۹۹۷-۱۹۹۴، یک توافق نامه صلح در سال ۱۹۷۷ به امضا طرفین رسید. این توافقنامه به جنگ داخلی سالهای ۱۹۹۷-۱۹۹۲ پایان داده و یک نوع فرهنگ مذاکره و گفتگوی سیاسی و همچنین مشروعیت سیاسی برای هر دو طرف به ارمغان آورد. این مذاکرات باعث تغییر حزب بیداری اسلامی تاجیکستان از مسیر تندروانه به یک برنامه میانه رو و مسالمت آمیز شد.

با این وجود این بدان معنی نیست که تاجیکستان با هیچ نوع مشکلی مواجه نیست. از سال ۱۹۹۸ به بعد رقابت شدیدی بین دولت و مخالفان بوجود آمده است. علی رغم اینکه ۳۰٪ از نمایندگان مخالفان در ساختار قدرت دولت حضور دارند، اما تعدادی از شخصیت های قدرتمند سیاسی تا حال حاضر از ساختار دولت کنار گذاشته شده اند. رهبر حزب دمکراسی، «محمدزی اسکندرروف» در زندان است و بعضی از روزنامه های مخالف مانند «نیروی سخن» نیز بسته شده اند. این روند سیاسی هنوز ادامه دارد

در نتیجه انقلاب قرقیزستان، نخبگان جنوب به قدرت می رسند و این نشانه ای از تخریب کالبد سیاسی عصر شوروی می باشد که در آن شمال بر جنوب تسلط می یابد. این روند بطور مستقیم با تقویت پروژه های ملی مذهبی در تمام آسیای میانه همراه است. این نوع تغییر قبلاً نیز در جای دیگری از تاجیکستان اتفاق افتاده بود. پروژه «سال تمدن آریایی» نمونه ای از پروژه های نخبگان ملی گرای جنوب است. از طرف دیگر نخبگان شمال، این پروژه را به عنوان یک تلاش غیر مستقیم برای محروم کردن آنها از قدرت سیاسی و اقتصادی قلمداد می کنند.

بعد از تغییراتی که در قرقیزستان به عمل آمد، تمایلاتی برای برپایی ساختارهای پیشرفته دمکراتیک به چشم می خورد. از طرف دیگر ارزیابی مقامات رسمی ازبکستان این است که اگر رژیم فعلی ازبکستان فروپاشیده شود، تنها نیروهای اسلامی تندرو به روی کار خواهند آمد. دولت ازبکستان برای این استدلال خود دلیل و منطق دارد، اما سرکوبی مخالفت ها و

* دکتر «پولات شوزیموف» یکی از محققان ارشد آکادمی علوم تاجیکستان و مؤسسه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز در دانشکده مدرسه مطالعات عالی بین المللی نیچه وابسته به دانشگاه جانز هاپکینز در واشینگتن دی سی می باشد. ترجمه این مقاله از منبع ذیل اقتباس شده است:

راهبردهای مختلف در یک هویت مشترک تاجیکی بوجود آورد و بعلاوه یک نوع اساس قومی ملی را که می تواند به عنوان اساس اتحاد سیاسی تاجیکستان باشد خلق کند.

تاجیکستان از زمان تأسیس با یک نوع فقدان ایدئولوژی مواجه بوده و در خصوص بوجود آوردن یک نوع ایدئولوژی مشخص نیز همواره تردید داشته است. در حال حاضر تاجیکستان سیاست خود را بر اساس اصول و قواعد کلی دموکراتیک پایه ریزی کرده و بر این نکته تأکید دارد که هیچ ایدئولوژی نمی تواند به عنوان ایدئولوژی کشوری قلمداد شود.

با این وجود نمایندگان «اسلام سیاسی» و حزب کمونیست بر این نکته تأکید می کنند که کشورها با ایدئولوژی مخصوص خودشان شناخته می شوند. تلاش نمایندگان اسلام سیاسی این است که قواعد اصلی اسلام سیاسی پیاده شود، درست همانند پروژه رسمی آریایی که به قرون نهم و دهم یعنی دوره اسماعیل سامانی و زمان ظهور اولین کشور تاجیک تمرکز می کند. اسلام سیاسی سعی دارد که هویت تاجیک را از طریق دوره سامانی با اسلام مرتبط کند در حالیکه دولت تاجیکستان سعی دارد که از همان دوره برای ساخت یک هویت قومی ملی استفاده کند. بنابراین دولت تاجیکستان از انتخاب یک ایدئولوژی رسمی برای خود خودداری کرده و از این رو فضای زیادی را برای مانور سیاسی دارد.

یکی از اهداف اصلی پروژه آریایی این است که از احتمال هر نوع اسلامی شدن یا ترکی شدن جامعه تاجیک جلوگیری کند. در همین زمان این خطر وجود دارد که اگر پروژه آریایی به صورت افراطی درآید نه تنها به اتحاد جامعه تاجیک منجر نخواهد شد، بلکه باعث تجزیه آن نیز می شود. این خطر به خصوص در منطقه شمالی تاجیکستان - که قسمت عمده ای از جمعیت آن را ازبک ها تشکیل می دهند و نخبگان ملی گرایی تاجیک آن را به عنوان کشوری که در روند ترکی شدن پیشرفت زیادی کرده و خطرات زیادی را برای این کشور به وجود آورده - بسیار محسوس می باشد.

البته پروژه آریایی تاجیکستان هیچ نوع نقطه اشتراکی با ایدئولوژی آریایی آلمان نازی ندارد. با این وجود این خود می تواند اساس ظهور گروه های سیاسی رادیکال شده و به تجزیه جامعه تاجیکستان دامن زند. در آن حالت است که اسلام سیاسی می تواند

و بازیگران اصلی حزب مخالف عبارتند از «عبدالله نوری» رئیس حزب بیداری اسلامی، «محمد شریف همت زاده» و «محمی الدین کبیری» معاونان این حزب که همچنان به ایفای نقش کلیدی در حیات سیاسی تاجیکستان ادامه می دهند.

در تاجیکستان فعلی دو پروژه عمده، که یکی ملی و یکی سیاسی است، با همدیگر در رقابت هستند. علی رغم اینکه حزب بیداری بدنبال یکی کردن دین و سیاست است، بالعکس دولت به دنبال جدا کردن آنها است.

در حالیکه دولت تاجیکستان سال انتخابات ریاست جمهوری یعنی سال ۲۰۰۶ را به عنوان سال تمدن آریایی اعلام کرده است، نمایندگان اسلام سیاسی در مورد این پروژه نگران شده اند. آنها ادعا می کنند که دولت سعی دارد که در آستانه انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۶، همان حالتی را بوجود آورد، که مابین سال های ۱۹۹۹-۱۹۹۸ اتفاق افتاد و سعی نمود یک پروژه دینی سیاسی بر مبنای میراث زرتشتی را جایگزین شرایط موجود نماید. پوشیده نیست که رئیس جمهور تاجیکستان، امامعلی رحمانوف، زرتشت را به عنوان تاجیکی از منطقه بلخ می داند و آئین زرتشتی را بطور مستقیم به هویت ملی تاجیکستان مرتبط می سازد.

یکی از نماد های آریایی در پرچم ملی تاجیکستان گنجانده شده است. این نماد به صورت هفت ستاره می باشد که در بالای آن تاج اسماعیل سامانی قرار گرفته است. اسماعیل سامانی مؤسس سلسله سامانی ها است که عنوان پدر کشور تاجیک را نیز به خود اختصاص داده است. جالب اینکه همان نماد زرتشتی از سال ۱۹۹۱-۱۹۸۹ توسط جنبش فرهنگی سیاسی «بیداری» ایران که مقبره شاعر حماسه سرای ایرانی، فردوسی، را پس از تخریب مجسمه لنین در مرکز شهر دوشنبه برپا کردند به کار گرفته شد. رحمانوف پس از رسیدن به قدرت مجسمه بزرگ اسماعیل سامانی را جایگزین بنای یادبود فردوسی کرد.

مؤسسان پروژه آریایی با داشتن موضع سکولار و قومی ملی، نمایندگان جنوب و به ویژه تاجیک هستند. هدف این پروژه این است که یک نوع دوگانه گرایی سختگیرانه را بین شرک و اسلام گرایی جایگزین کرده و فضایی را برای همزیستی روش ها و

افراط گرایی را برای پروژه آریایی به ارمغان بیاورد. از طرف دیگر اگر مؤسسان پروژه آریایی توانایی لازم را برای اجتناب از

افراط گرایی قومی ملی داشته و بتوانند تأثیر زرتشت را به صورت تقویت همزیستی یهودیت، مسیحیت و اسلام نشان دهند، این عمل می تواند از افزایش تنش در ساختار قومی ملی و مذهبی جلوگیری کند. در عین حال دولت تاجیکستان باید از تجارب ایران در زمینه اجرای پروژه مشابه زرتشتی و آریایی که به بروز انقلاب اسلامی در این کشور در سال ۱۹۷۹ منجر شد درس بگیرد.

نتیجه گیری: تاجیکستان دارای یک موقعیت سیاسی متناقض است که در آن عوامل جلوگیری کننده از انحصارطلبی قدرت، مؤسسات سیاسی نیستند بلکه این عوامل بازدارنده رقابت بین پروژه های فرهنگی و سیاسی مختلف و رهبران کاریزماتیک آنها هستند که باعث یک نوع موازنه سیاسی مناسب در جامعه می شوند. با این وجود بعید است که این موقعیت برای همیشه دوام داشته باشد و اگر این منابع فرهنگی به صورت رسمی در نیایند به بی ثباتی دوباره در تاجیکستان منجر می شوند.



% از گوام تا مشترک المنافع دموکراتیک

نگارنده: **دانیل لینوت***

مترجم: **رامین قنبرپور**

دخالت نداشت و سرکوب های روبه افزایش در این کشور قطعاً با انقلاب هایی که در دیگر کشورهای عضو به ویژه گرجستان

و

اوکراین صورت گرفت، تفاوت کامل داشت. اما موارد مربوط به آذربایجان نیز از جنبه آزادی های کلی و شفافیت انتخابات با ازبکستان تفاوت فاحش داشت. با این وجود به نظر نمی رسد که دموکراسی در آذربایجان به طور چشمگیری تقویت شده باشد، زیرا که رسانه ها و گروههای مخالف به طور مداوم با فشارهای مقامات کشوری مواجه هستند.

در حال حاضر در «گوام غربی» رهبران جدید اوکراین و گرجستان، علی رغم امیدهای زیادی که بعد از انقلاب های سرخ و نارنجی بوجود آمده بود در مبارزه با فساد پیشرفت زیادی نکرده بودند. بالعکس نشانه های خستگی زودرس، شکاکی و سرخوردگی در بین طرفداران به چشم می خورد. رئیس جمهور اوکراین، «ویکتور یوشچنکو» تقریباً ۶ ماه پس از به قدرت رسیدن به خاطر افزایش نشانه های فساد، کابینه خود را به طور کامل منحل کرد. او حتی نخست وزیر سابق خود، یولیا تیموشنکو، را به استفاده از قدرت سیاسی برای منافع شخصی متهم کرد. هزینه های مبارزات انتخاباتی او نیز شک برانگیز بود. موضع جدی رئیس

عقب نشینی ازبکستان از گوام، مسیر پر تلاطم دموکراسی در آذربایجان و تصمیم اخیر رهبران گرجستان، لیتوانی، لهستان و اوکراین جهت تأسیس «مشترک المنافع دموکراتیک» شاید برای دو کشور مشترک المنافع که هنوز بدنبال غلبه بر آثار منفی به جامانده از رژیم های سابق بویژه فساد و حکومت ناکارآمد هستند دور از دسترس باشد. این دسته بندی جدید منطقه ای شاید نهایتاً جایگزین گوام تضعیف شده بوده و فرصت های بی نظیری را برای تحقق همکاری به نظر بعید بین اعضای جدید اتحادیه اروپا و کشورهای توسعه نیافته در منطقه کشورهای مستقل مشترک المنافع به وجود آورد.

ازبکستان در پنجم ماه می ۲۰۰۵ تصمیم خود را برای عقب نشینی از گوام به طور رسمی اعلام داشت. این تصمیم ازبکستان از مدتها قبل قابل پیش بینی بود. ازبکستان زیاد در فعالیتهای گوام

* دکتر «دانیل لینوت» مدرک دکترای خود را از دانشگاه آکسفورد گرفته است. او بیش از چهار سال به عنوان مشاور ارشد اقتصادی برای دبیرخانه سازمان امنیت و همکاری اروپا کار می کرد. وی قبل از ملحق شدن به سازمان امنیت و همکاری اروپا به عنوان مشاور ارشد مسائل تجاری در گرجستان فعالیت داشته است. ترجمه این مقاله از منبع ذیل اقتباس و پیش از انتخابات پارلمانی آذربایجان نگاشته شده است:

می شود. این دو کشور در حال حاضر جز اتحادیه اروپا که محور مهمی برای گسترش قوانین پیشرفته و توسعه حکومت های خوب و دموکراسی و حقوق بشر است می باشند. در ضمن آنها عضو ناتو نیز هستند که از اقدامات شفاف در خصوص مسائل مربوط به بودجه های نظامی و کنترل غیر نظامی بر هزینه های نظامی طرفداری می کند.

«مشترک المنافع دموکراتیک» شاید در نوع خود منحصر به فرد باشد چرا که با اعضای جدید اتحادیه اروپا که تجارب کافی در اصلاحات سیاسی اقتصادی دارند و با کشورهای شوروی سابق که در حال حاضر با چالش های زیادی در زمینه اتحاد رژیم های دموکراتیک خود و توسعه اقتصادشان دارند در ارتباط تنگاتنگ می باشد. چنین ترکیبی از این کشورها می تواند به شروع برنامه ها و پروژه های مشترک در زمینه بهبود وضعیت حکومت ها در کشورهای به خصوصی از جمله گرجستان و اوکراین کمک کرده و در این زمینه نیز از تجارب کشورهای پیش رو از جمله لهستان و لیتوانی بهره برد. همبستگی بین کشورهایی که از نظر وسعت و سهم دارای حقوق یکسانی می باشند می تواند نتایج بهتری را در پی داشته باشد: لهستان با اکراین؛ لیتوانی با گرجستان. فعالیت های مربوط به فساد را می توان از طریق ترکیب منابع کشورهای متحد شده و با حمایت کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده، سازمان های بین المللی از جمله «برنامه عمران ملل متحد» و مؤسسات مالی از قبیل صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و بانک توسعه و بازسازی اروپا» توسعه داد. آنها اجازه اعمال بیشتر سیاستهای سختگیرانه را در خصوص فساد خواهند داد. لهستان همچنین متخصصانی را از کالج اروپائی بلژیک استخدام کرده تا کارمندان آینده را در کشورهای جدید اتحادیه اروپا بویژه در خصوص مسائل مربوط به حکومت آموزش بدهند. چنین مؤسسه ای همچنین می توانست بر آموزش رهبران و کارمندان غیر نظامی اکراین، گرجستان و احتمالاً کشورهای دیگر تمرکز داشته باشد.

نتیجه: انتظار می رود توافقنامه ای که توسط چهار کشور مؤسس مشترک المنافع دموکراتیک بسته شد در پائیز امسال در اجلاسی که در اوکراین برگزار می شود و ایالات متحده و اتحادیه اروپا و

جمهور گرجستان، «میخائیل ساکاشویلی» در مقابل فساد به نظر با تردید و دودلی مواجه شده بود و همانطور که از بیانیه های اخیر مخالفان سیاسی و روزنامه نگاران بر می آید او به تلاش برای اعمال محدودیت بر آزادی های اصلی متهم می شود. چنین نشانه های هشداردهنده ای نیازمند هوشیاری و واکنش بیشتر از طرف جوامع بین الملل و بویژه غرب می باشد تا تمام تلاش خود را برای تقویت دموکراسی و جامعه مدنی در این کشورها به کار گیرند. رئالیسم و مصلحت گرایی باید گسترش پیدا کند. به خصوص ظهور روابط بین الملل و گردهمایی ها باید به طور کامل از اقدامات جدیدی که برای بهبود شیوه حکومت و شفافیت آن انجام می شود حمایت کند. در این حالت است که شکل گیری برنامه ریزی شده «مشترک المنافع دموکراتیک» توسط رهبران لهستان، لیتوانی، اوکراین و گرجستان و احتمالاً چند کشور دیگر شاید فرصت های قابل توجهی را برای همکاری های دور از دسترس بین اعضای جدید اتحادیه اروپا و کشورهای مستقل مشترک المنافع به وجود آورد. در حالیکه این پروژه در اوایل فقط به دو کشور از هر گروه محدود می شد اما این می تواند تنها شروع کار باشد.

لهستان و لیتوانی را می توان به عنوان نمونه های جالب در مطالعات مربوط به مبارزه با فساد قلمداد کرد. همانطور که از تفسیر کارشناسان بین المللی بر می آید لهستان کشوری است که پس از اعمال اقدامات سختگیرانه، سطح فساد در آن به طور قابل توجهی کاهش پیدا کرده است.

بانک جهانی از طریق کمک به توسعه یک برنامه مبارزه با فساد که بر اساس دو قاعده بنا شده به روند مبارزه با فساد در دولت لهستان کمک می کند: یک گروه عالیترتبه با کمکی که به یک سری از سازمان های غیر دولتی ارائه می دهد سعی در ایجاد اتحاد دوباره در میان شخصیت های برجسته سیاسی و جامعه مدنی دارد. لیتوانی نیز در این زمینه قوانین جدیدی را اتخاذ کرده و یک ساختار قدرتمند و مستقل را با نام «سرویس تحقیقات ویژه» در وزارت امور داخلی تشکیل داد که این تشکیلات جدید به روابط بین جنایات سازماندهی شده و مفاسد مختلف تمرکز دارد. از این لحاظ اهمیت زیادی به سازمان های جنایی بین المللی که در کشورهای اتحادیه اروپا و جمهوری های شوروی سابق فعال هستند داده

روسیه به عنوان ناظر به آن دعوت شده اند تحقیق پیدا کند. سازمان جدید به طور کلی به عنوان یک سازمان سیاسی و با هدف ارتقای ارزشهای دموکراتیک قلمداد می شود. این عمل قطعاً می تواند به هر دو کشور گرجستان و اوکراین که فساد در آنها حالت ارتجاعی دارد کمک کند. این سازمان باید بداند که دموکراسی های کامل در این کشورها و کشورهای دیگر نمی توانند با وجود این نوع مفاسد گسترده و سرایت کننده توسعه یابند. به همین دلیل اگر این سازمان به گسترش همکاریهای لازم برای مبارزه با مفاسد و گسترش کیفیت حکومت ها کمک کند به یک سازمان مفید و معنی دار تبدیل خواهد شد. این نوع موفق به گزینه دموکراتیک مشترک المنافع امکان توسعه را داده و کشورهای زیادی را به معیارهای غربی دموکراسی، آزادی و حقوق بشر سوق خواهد داد.

% اهداف و دستاوردهای سفر وزیر امور خارجه

آمریکا به کشورهای آسیای مرکزی و روسیه

موافقت نامه تجاری منطقه ای، بطوررسمی یکی از اهداف اصلی سفر دوره ای وزیر خارجه آمریکا به کشورهای آسیای مرکزی مطرح گردیده بود. ولی آنچه در رسانه های گروهی مطرح و منتشر گردید حاکی از نگرانی واشنگتن از افزایش نفوذ روسیه و چین در منطقه و در نتیجه تلاش آن کشور برای تأسیس سازمان یا

ترجمه و تنظیم: پرویز قاسمی

کاندالیزا رایس وزیر امور خارجه آمریکا در هفته های اخیر طی سفری دوره ای از کشورهای آسیای مرکزی و روسیه بازدید و پس از دیدار و گفتگو با مقامات ذیربط آن کشورها عازم لندن شد. به نظر می رسد عدم حصول و دستیابی به اهداف و نتایج مورد انتظار و مطلوب ایالات متحده آمریکا در سفر رئیس دستگاه سیاست خارجی آن کشور به جمهوری های آسیای مرکزی باعث گردید وی بطور ناگهانی و سرزده به مسکو نیز عزیمت نماید. رایس در سفر به مسکو شخصاً به این نتیجه دست یافت که روسیه مصمم است از منافع خود در آسیای مرکزی قاطعانه دفاع نماید. بازدید از کشورهای تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و افغانستان برنامه کاری سفر وزیر امور خارجه آمریکا به آسیای مرکزی را تشکیل می داد. در نگاه اول به نظر می رسید ازبکستان نیز بایستی در این برنامه کاری گنجانده می شد ولی بخاطر مسائل اخیر بوجود آمده در مناسبات دو کشور و بویژه حوادث اندیجان، تاشکند، از برنامه دیدارهای رایس کنار گذاشته شد. بحث و مذاکره در خصوص

نهادی به عنوان جایگزین در مقابل سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اقتصادی اوراسیا می باشد. دانیل فرید معاون اروپا اوراسیای وزیر امور خارجه آمریکا نیز پیشتر و در آستانه سفر رایس به منطقه به طور تلویحی از احتمال تأسیس چنین سازمانی خبر داده بود. به اعتقاد کارشناسان، آمریکا با تأسیس اتحادیه اقتصادی و تشکیل بازار واحد می خواهد به تدریج نسبت به لغو موانع مالیاتی و گمرکی بین کشورهای عضو اتحادیه و گسترش فعالیتهای اقتصادی اقدام نماید. اتخاذ چنین سیاستی برای واشنگتن این امکان را فراهم خواهد آورد که از لحاظ سیاسی بر کشورهای عضو اتحادیه هر چه بیشتر اعمال نفوذ نماید.

سالجاری در آستانه از آمریکا خواستند زمان خروج پایگاههای خود از آسیای مرکزی را تعیین و اعلام نماید. بیانیه صادرشده در پایان نشست مذکور دارای لحن نسبتاً تندی بود و تحلیلگران و کارشناسان آن را به عنوان پیام و علامتی بارز از طرف مسکو و پکن بمنظور نشان دادن مراتب ناراضی و ناخشنودی خود از حضور نظامی آمریکا در منطقه قلمداد می نمایند. معذک قرقیزها با توجه به شرایط فعلی و فقر و محرومیت در کشورشان، اکنون این بحث را مطرح می نمایند که تنها و تنها مصلحت برای قرقیزستان برقراری یک نوع توازن در مناسبات خود با آمریکا، روسیه و چین می باشد. هر چند هر یک از این کشورها برای جلب نظر قرقیزها آماده ارائه هر نوع کمکی از جمله کمکهای مالی می باشند. برای مثال در سال گذشته آمریکا بابت اجاره پایگاه نظامی مبلغ ۴۰ میلیون دلار در اختیار جمهوری قرقیزستان قرار داده و پس از امضای این موافقت نامه نیز مبلغ ۱۰ میلیون دلار دیگر پرداخت نموده است. گذشته از آن وجود پایگاه نظامی مذکور در قرقیزستان افزایش اشتغال و فرصتهای شغلی را به دنبال خواهد داشت و این مسئله برای کشوری که نرخ بیکاری در آن بسیار بالا می باشد بسیار مهم و ضروری می باشد.

ازسویی دیگر، تاجیکستان نیز عدم آمادگی خود را برای انتقال پایگاه هوایی آمریکا در ازبکستان به این کشور اعلام نموده است. هر چند در ماههای اخیر شایعات زیادی در این خصوص (انتقال پایگاه مذکور به تاجیکستان) منتشر شده است. ولی امام علی رحمان اف رئیس جمهور و برخی از مقامات وزارت خارجه تاجیکستان این موضوع را تکذیب و رد نموده اند و حتی خود کاندالیزا رایس نیز در سفر به دوشنبه تأکید نموده است که استقرار نیروهای نظامی آمریکایی در تاجیکستان در دستور کار ایالات متحده آمریکا نمی باشد.

با وجود این تفاسیر، وزیر خارجه آمریکا در سفر به قزاقستان، دکترین نظامی ایالات متحده آمریکا در منطقه آسیای مرکزی را تبیین نمود. به گفته وی، ضرورت حمایت از عملیات ضد تروریستی در افغانستان بی شک مستلزم حضور نظامی این کشور در منطقه می باشد. در ضمن رایس که همچون همه سیاستمداران آمریکایی داعیه و دغدغه حقوق بشر در سراسر جهان را در سر

در این سفر، رایس علاوه بر بررسی برخی مسائل سیاسی و اقتصادی، گویا به طرز احتیاط آمیزی به دنبال یافتن مکان و محلی مناسب برای انتقال پایگاه نظامی خان آباد (ازبکستان) بوده است. این پایگاه به عنوان مرکزی برای نقل و انتقال بار و تجهیزات نظامی برای نیروهای آمریکایی و ناتو مستقر در افغانستان مورد استفاده قرار می گیرد. به دنبال سردی مناسبات ازبکستان با آمریکا، مقامات ازبک خواستار انتقال پایگاه نظامی از این کشور تا پایان سال جاری شده اند. واشنگتن نیز در پاسخ و اقدامی متقابل از پرداخت اجاره پایگاه مذکور به بهانه عدم حمایت مالی از رژیم ضد دموکراسی ازبکستان خودداری نموده است. در آستانه دیدار رایس از آسیای

مرکزی، دیپلماتهای آمریکایی بار دیگر این نکته را تکرار نمودند که آن کشور در صدد رقابت و مقابله با روسیه برای گسترش نفوذ خود در منطقه نیست. در این زمینه هم مسکو و هم واشنگتن بر این عقیده هستند که هر دو کشور دارای منافع در جمهوریهای شوروی سابق بوده و در برخی جهات نیز از جمله مبارزه با اسلامگرایی افراطی و قاچاق مواد مخدر دارای مواضع و دیدگاههای واحد و مشترکی هستند.

دیدار رایس از آسیای مرکزی با سفر به قرقیزستان آغاز شد و به اذعان مقامات وزارت خارجه آمریکا، پس از انجام مذاکرات و گفتگوهای طولانی و فشرده با مقامات قرقیزی، رایس سرانجام موفق شد کورمان بیک باقی اف رئیس جمهور قرقیزستان را به ضرورت حفظ پایگاه نظامی خود در گانچی متقاعد نماید. در موافقت نامه مشترک امضا شده بین دو کشور آمده است که: «قرقیزستان از حضور نیروهای ائتلاف در منطقه تا زمانیکه عملیات بر علیه تروریسم به رهبری آمریکا ادامه دارد حمایت و پشتیبانی می نماید.» شایان ذکر است که در پایگاه هوایی «گانچی» که در فرودگاه بین المللی ماناس قرقیزستان واقع شده است نزدیک به یکهزار نیروی نظامی آمریکایی مستقر هستند. این نیروها در واقع کارکنان فنی، خدمه پرواز و خلبانانی هستند که در عملیات نظامی در افغانستان مشارکت دارند.

کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای که قرقیزستان نیز یکی از اعضای آن بشمار می رود در نشست تابستانی خود در ماه ژوئیه

دارد در سفر به قزاقستان، به هیچ وجه در خصوص سیاستهای این کشور در زمینه حقوق بشر لب به انتقاد نگوید. وی روابط و مناسبات دوجانبه اقتصادی آمریکا و قزاقستان و بویژه افزایش روزافزون حجم سرمایه گذاری آمریکاییان در اقتصاد این جمهوری را مورد اشاره قرار داده و در ادامه تاکید نمود که واشنگتن قصد ندارد به هیچ کشور مستقلی - منظور قزاقستان - در خصوص نحوه انجام اصلاحات دموکراتیک توصیه نماید. رایس همچنین گفت که کشور متبوعش، فارغ از مسائل و جریانهای سیاسی و انتخابات آتی ریاست جمهوری قزاقستان که در ماه دسامبر سال جاری برگزار خواهد شد خواستار همکاری با این کشور می باشد. قرار بود کاندالیزا رایس در پایان سفر دوره ای بخش آسیای ایش و بمنظور گفتگو با مقامات اروپایی به پایتختهای اروپایی عزیمت نماید. لذا او ابتدا عازم پاریس شد و از آنجا نیز قرار بود راهی لندن شود ولی عصر روز پنج شنبه ۱۳ اکتبر منابع خبری بطور غیر منتظره ای اعلام نمودند که رایس در تدارک عزیمت به مسکو می باشد تا با پوتین رئیس جمهور و لاوروف همتای روسی اش دیدار و گفتگو نماید. بر اساس گزارشهای منابع رسمی و دیپلماتیک آمریکایی، رایس قرار بود در سفر به مسکو برنامه اتمی ایران، اوضاع عراق و مسائل خاورمیانه را با مقامات روسی مورد بررسی و تبادل نظر قرار دهد. موضوع ایران مدتهاست که بعنوان سد و مانعی در روابط روسیه و آمریکا خودنمایی می نماید. در شرایطی که آمریکایی ها در صدد القای این مطلب به جهانیان هستند که ایران تحت پوشش توسعه انرژی اتمی در تلاش برای دستیابی به سلاحهای اتمی است. روسیه با تداوم همکاری و مشارکت در ساخت نیروگاه اتمی بوشهر، منافع و علایق سیاسی و اقتصادی خود را دنبال می نماید. در این خصوص مسکو تأکید می نماید که به دقت برنامه و فعالیتهای اتمی ایران را زیر نظر داشته و هیچ نشانه و علائمی دال بر تلاش این کشور در زمینه فعالیتهای اتمی بمنظور دستیابی به اهداف و مقاصد نظامی وجود ندارد. از سوی دیگر تمایل و درخواست تهران برای تداوم فعالیتهای غنی سازی اورانیوم، واکنش و انتقادات آژانس بین المللی انرژی اتمی را دنبال داشته و آژانس مذکور آمادگی خود را برای ارجاع این مسئله به شورای امنیت سازمان

ملل متحد در ماه نوامبر اعلام نموده است. در صورت عدم پذیرش درخواستهای آژانس و ارجاع پرونده به شورای امنیت اعمال تحریم هایی علیه این کشور محتمل و اجتناب ناپذیر خواهد بود. در چنین شرایطی، این احتمال قوی نیز وجود دارد که روسیه بعنوان عضو دائم شورای امنیت و دارای حق وتو با اتخاذ چنین تصمیمی مخالفت نماید. علاوه بر آن به احتمال زیاد چین نیز از این مسئله حمایت خواهد نمود.

رایس به هنگام اقامت در مسکو بار دیگر تلاش نمود روسیه را به ارجاع پرونده ایران به شورای امنیت متقاعد نماید. ولی همانگونه که سرگنی لاوروف همتای روسی اش گفت روسیه نیاز و ضرورتی به ارجاع پرونده ایران از آژانس بین المللی انرژی اتمی به سازمان دیگری نمی بیند. در این دیدار لاوروف موضع منفی روسیه را نسبت به بررسی مسأله ایران در سازمان ملل به اطلاع رایس رساند. رایس نیز اعتراف نمود که احتمال دارد مسئله ایران در سطح بازرسان آژانس مورد بررسی قرار گرفته و حل و فصل گردد. چیزی که روسیه نیز بدان اصرار دارد هر چند این را نیز اضافه نمود که به اعتقاد واشنگتن ایران ضرورت و نیازی به داشتن برنامه اتمی غیر نظامی ندارد. علاوه بر مسائل مربوط به ایران و آسیای مرکزی، انتظار می رفت در جریان دیدار رایس با مقامات روسی در مسکو، موضوع استرداد یوگنی آدامف وزیر سابق انرژی اتمی روسیه از سوئیس به آمریکا نیز مورد مذاکره قرار گیرد. همانطور که می دانید دادگاه سوئیس موافقت خود را با درخواست آمریکا مبنی بر استرداد آدامف به این کشور اعلام نموده است. از سوی دیگر روسیه نیز درخواست مشابهی را علیه وزیر سابق انرژی اتمی آن کشور به دادگاه سوئیس تسلیم نموده است. اینک مسکو بدنبال جلب نظر واشنگتن برای بازگرداندن آدامف به کشورش می باشد. مسکو برای نیل به این هدف حتی قول داده است تحقیق و بازرجویی از وی توسط کارشناسان آمریکایی صورت گیرد. در همین راستا بود که در ماه جاری، هیاتی از دادستانی آمریکا بمنظور اقامه دعوی علیه وی به اتهام اختلاس به روسیه رفت. هیأت مذکور در مدت اقامت در مسکو گفتگوهای محرمانه ای را با همکاران روسی آدامف به عمل آورد که نتیجه ملاقاتها و گفتگوها و کم و کیف آنها هنوز فاش نشده است. این در حالیست که لاوروف در پایان

مذاکرات دوجانبه، اعلام نمود که موضوع آدامف در سطوح بالا مورد بررسی و مذاکره قرار نگرفته است، چرا که این موضوع یک مسئله حقوقی و نه سیاسی بوده و بایستی در چارچوبهای حقوقی بررسی و حل و فصل گردد.

رایس پس از مذاکره با وزیر خارجه روسیه به دیدار پوتین رفت و در آنجا نیز مسائل و موضوعات مربوط به سیاستهای آمریکا و روسیه در آسیای مرکزی و نیز موضوع ایران مورد گفتگو و تبادل نظر قرار گرفت. وزیر خارجه آمریکا در این دیدار خاطر نشان ساخت که وجود یک پایگاه نظامی در قرقیزستان برای آمریکا کاملاً حیاتی و ضروری بوده و در عین حال بار دیگر متذکر شد که کشورش به هیچ وجه در صدد افزایش و توسعه حضور نظامی خود در منطقه نیست. در خصوص ایران نیز هر دو طرف اعلام نمودند که موضوع مهم و اصلی در این زمینه مقابله با شکل گیری کشورهای جدید اتمی می باشد.

وزیر خارجه آمریکا در تشریح نتایج دیدار کوتاه مدت خود از مسکو و گفتگو و تبادل نظر با پوتین و لاوروف اعلام نمود که دو کشور در خصوص مسئله ایران اختلاف نظر اصولی با یکدیگر ندارند. وی همچنین تأکید نمود که روسیه نیز مخالف دستیابی ایران به سلاحهای اتمی می باشد. به همین خاطر مسکو از تحویل اورانیوم غنی شده به ایران به شرط بازگرداندن باقیمانده سوخت مصرفی حمایت می نماید. همه طرفهای ذینفع در این پرونده و به ویژه روسیه تلاش می کنند ایران را به انعطاف بیشتر در مقابل بازرسی های بین المللی متقاعد نمایند. مطمئناً روسیه نمی خواهد شریک سخاوتمندی همچون ایران را از دست بدهد.



% معرفی کتاب «سیاست خارجی روسیه: خودآگاهی و منافع ملی»

اسلاو و روابط با همسایگان تجلی یافته و روسیه امروز با بحران وحدت ملی و بازبانی هویت ملی روبروست.» کتاب با مقدمه آقای دکتر نقیبزاده، دارای یک درآمد کوتاه و دو فصل و نتیجه‌گیری است. فصل اول به تفکر ملی و دیپلماسی بین‌المللی روسیه و فصل دوم به تحلیل خردگرایانه تفکر ملی روس

پرداخته است. فصل نخست دربردارنده هفت موضوع مرتبط با تحولات هویت ملی، ایده‌ها و انگاره‌های اساسی هویتی روسیه در طول تاریخ هزار ساله آن بوده و فصل دوم عمدتاً به روابط روسیه و حوزه‌ها و کشورهای مهم برای آن می‌پردازد.

«روابط بین الملل و توسعه اجتماعی»، عنوان فصل اول می‌باشد. در این بخش، یک بحث نظری در مورد جایگاه روابط بین‌الملل در شکل‌دهی و رشد آگاهی جوامع و ملت‌ها و درک هر جامعه از اصالت ملی خود از این طریق مطرح شده است. از این نگاه، شناخت «من جمعی» و ویژگی‌های ملی، پس از آگاهی از ویژگی‌های مردم دیگر و تقابل «ما» و «آنها» به وجود می‌آید و جامعه با سرکوب خصومت داخلی میان افراد به منظور حفظ هویت جمعی، میل به خصومت را در شکل گروهی به سوی هدف خارجی یعنی همسایگان جهت‌گیری می‌نماید. درک سیاست

همانند خود موضوع روسیه، سیاست خارجی آن نیز در ایران امری ناشناخته است. بویژه شناخت سیاست خارجی از منظر خود روس‌ها و نگاه روسی به این موضوع کاملاً مغفول واقع شده است؛ محققان روسیه در ایران، عمدتاً از طریق زبان انگلیسی و آثار نگاشته شده از سوی غربی‌ها به موضوع نگاه می‌کنند. خوشبختانه کم کم روس‌شناسی بطور مستقیم، امری دست‌یافتنی شده و آثار دکتر مهدی سنایی که یک دهه در کشور روسیه و جمهوری‌های خارج نزدیک آن به کار و تحقیق مشغول بوده طلایه چنین امری است.

کتاب سیاست خارجی روسیه، علاوه بر ویژگی‌های فوق، از این مزیت نیز برخوردار است که نگارنده از منظر تئوری‌های جدید حوزه سیاست خارجی و روابط بین‌الملل متعرض موضوع روابط خارجی مسکو شده و توضیحات و یادداشت‌های مترجم و محقق محترم در پانویس صفحات بر غنای مطلب افزوده است.

بطور کلی، سخن اصلی این کتاب آنست که «سیاست خارجی روسیه در طول تاریخ و در وضع کنونی را نمی‌توان شناخت مگر با داشتن درک درستی از تحول تاریخی هویت ملی و آگاهی و تفکر ملی روس. این هویت نیز عمدتاً در مذهب ارتدوکس، تربیت

سده است که جنگ‌های دائمی روسیه و لهستان شروع شده و به یک کلیشه ثابت تهدید خارجی از سوی اروپای غربی تبدیل شد. در واقع، لهستان عامل بازدارنده‌ای در مقابل مسکوی قدرتمند برای حکومت‌های اروپایی بود. از سوی دیگر، امپراتوری روس متحد قدرت‌های اروپایی در مقابل عثمانی بود. برخی تاریخ‌نویسان روس نیز ریشه‌های اروپایی برای پادشاهان روس دست و پا کردند تا اعتبار آنها را افزایش دهند.

نویسنده در بحث بعدی به «ورود در حوزه سیاست اروپایی یا تغییر هویت» می‌پردازد. او با اشاره به ترویج ایده مأموریت روسیه برای آزادی استانبول و دیگر سرزمین‌های مقدس به وسیله کلیسای ارتدوکس روسیه در پایان قرن هفده، به این نکته اشاره می‌کند که حکام روسی چگونه به فکر تأسیس حکومت جهانی ارتدوکس، نصب مجدد صلیب بر فراز حرم صوفیای مقدس در استانبول و آزاد نمودن همه ارتدوکس‌های تحت حاکمیت روم کافر بودند.

در واقع انقطاع کلیسای روسیه از میراث بیزانس و پذیرش روسیه در جمع قدرت‌های اروپایی مهم‌ترین پدیده‌های قرن هیجدهم روسیه بودند. در قرن نوزده، روسیه به عنوان یک پدیده فرهنگی و تاریخی شناخته شد و در این روند، نخبگان حکومتی و سایر طبقات اجتماعی جدید روسیه با درک نوین خود از ملت، منافع آن و استراتژی رشد کشور مشارکت نمودند. در عین حال، ساختارهای تاریخی از میان نرفتند، بلکه بازیافت شده و با واقعیات جدید قرن نوزدهم همراه شدند.

در بحث «خودآگاهی روسی در آثار ادبی عصر خردگرایی»، رشد خودآگاهی ملی روسیه در قرن ۱۹، به نقش پتر کبیر در روند اروپایی کردن روسیه از نیمه قرن هفده، بر رشد مداوم همگرایی روسیه با اروپا و تأثیر فرهنگ اروپایی بر نخبگان روس تأکید می‌کند. از نظر او، در قرن ۱۹، روسیه وضعیت یک زبان کاملاً مستقل و خودکفا را پیدا می‌کند که دیگر زبان گفت و گو در خانه نیست. او می‌نویسد: «در نیمه دوم قرن نوزده، ایده رسالت تاریخی در واقع جبران نارضایتی از واقعیات جامعه روسیه است. روسیه اروپا را آزاد کرده است، اما در مقابل آن چیزی نگرفته است، بلکه اروپا به صورت ملموسی از روسیه دورتر می‌شود. در چنین شرایطی، بخشی از جامعه در عکس‌العمل خود به رسالت

خارجی تنها زمینه‌های مربوط به منافع ملی، امنیت ملی و ژئوپلیتیک را در بر نمی‌گیرد، بلکه هر تصمیم سیاست خارجی مبتنی بر یک الگوی ذهنی و تعریفی است که در جامعه در مورد جهان پیرامون وجود دارد و این ذهنیت در نتیجه تجربه‌های مثبت و منفی ارتباط با محیط خارجی و بر اساس قواعد رشد تفکر اجتماعی شکل می‌گیرد. خاطره قومی و ذهنیت از روابط پیشین، بویژه در شرائط بحرانی یک ملت، الگوهای رفتاری مشخص را بر سیاست خارجی کشورها تحمیل می‌کنند. کلیشه‌های ارزشی بر شکل‌گیری تصویر ما از جهان تأثیر دارند و شرائط بحرانی، نوعی آشفتگی در این کلیشه‌ها ایجاد می‌شود.

بحث دوم «به گرایش‌های تدوین‌کننده هویت ملی روسیه» می‌پردازد. فضای جغرافیایی اوراسیا، ارتباط با امپراتوری بیزانس (رم دوم)، ایدئولوژی مسیحیت، تجربه‌های سیاسی مرتبط با بیزانس، کنستانتینوپولیس (استانبول) و هجوم تاتارها و حاکمیت دوپست و پنجاه ساله اردوی زرین، مهم‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هویت ملی روسیه قلمداد شده‌اند. گرایش‌های ذهنی - فرهنگی اولیه در تفکر ملی روسیه، زمانی شکل گرفتند که ساختارهای ابتدایی حکومتی شاهزاده‌نشین‌های روس ارتباط گسترده‌ای را با بیزانس برقرار نمودند و امپراتوری بیزانس نمونه قابل تقلیدی برای نخبگان روس شد. استانبول اولین شر جهانی در تفکر روسی شد و روس‌ها پس از آن به تثبیت هویت ملی خود در مقابل بیزانس، استانبول و کلیسای ارتدوکس آن پرداختند و بدینوسیله کلیسای روس، قوم برگزیده آن و مأموریت تاریخی‌اش، استقلال خود را از استانبول اعلام کردند. این احساس «من» جمعی و شناخت از آن، در دوره‌ای که از نگاه روس‌ها سمبل تاریکی و سیاهی بود) شکوفاتر شد و برای مقابله با اردوی تاتار بسیج گردید. با سرنگونی امپراتوری بیزانس (رم دوم) در قرن پانزدهم، دکتترین رم سوم در مسکو و در قرن ۱۷ به بعد ایده پان اسلاویسم مطرح شد.

«روسیه و اروپا در ذهنیت ملی روس سده شانزدهم» عنوان بحث دیگری از فصل اول است که در آن به مبارزه برای کسب فضای حیاتی در سرزمین‌های اسلاونشین روسیه، اوکراین، لهستان و نیز سرزمین‌های حاشیه بالتیک پرداخته شده است. در واقع، از این

آزاد سازی اقوام بالکان توجه می‌کند که جزء افسانه ملی روس نیز هست.»

نویسنده با اشاره با آثار آپوختین، تورگنیف، دابرابووف و تولستوی، چنین نتیجه می‌گیرد که ادبیات روس که خود محصول رشد خودآگاهی ملی بود، منبع و مرجع خوبی برای شناخت این آگاهی است. این ادبیات هم به فهم روانشناسی ملی کمک می‌کند و هم تأثیر آن را در روند تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی در قرن نوزدهم نشان می‌دهد.

«غرب و شرق در تفکر ملی روسیه» موضوع یک بحث دیگر کتاب است. چهره غرب در مراحل اولیه شکل‌گیری خودآگاهی ملی روس تکوین یافته است. اسلاوها در برابر آلمان‌ها، اسلاوهای شرقی بت‌پرست در مقابل جهان مسیحی امپراتوری رم، جنگ‌های روسیه - سوئد در قرن ۱۸ و جنگ میهنی قرن ۱۹، به تعارض روسیه - غرب شدت می‌بخشید و لازمه توسعه خودآگاهی ملی روس و تعریف «من» دسته‌جمعی روسی بود. احساس عقب ماندگی از غرب در قرن ۱۷ بطور جدی حس شد و دو دسته غربگرایان و اسلاوگرایان طی سده‌های بعد برای رفع این عقده کوشش کردند. در خودآگاهی روسی، در دوره‌های مختلف، چهره منفی جهان غربی از طریق کشورهای مختلف تداعی می‌شد.

ابتدا رم کاتولیک، سپس لهستان، فرانسه دوره ناپلئون، آلمان، انگلستان و سرانجام آمریکا جلوه‌گر این نقش بودند. از اواسط قرن ۱۹، موضوع شرق در خودآگاهی ملی اجتماعی - سیاسی روس مواجه شد. این موضوع، واکنش در برابر نومیدی از نظام اجتماعی اروپایی یا تلاش‌های ناموفق در زمینه کاربرد این الگوی اجتماع در روسیه بود. روسیه فهمید که با وجود شباهت به فرهنگ غرب، از جنبه‌های نزدیک به شرق نیز برخوردار است. این وضع به عنوان انگیزه برای توسعه و هم‌چالش برای دنیای غرب تلقی می‌شد و در آثار خومیاکف و دانیلفسکی نمودار شد. مکتب فلسفی اوراسیایی در اوائل قرن بیستم، ملت‌های شرق را متحد روسیه در برابر غرب می‌دانست، به خودآگاهی ملی روس جنبه خاص بخشید. نظریه‌پردازان اوراسیایی، به اندیشه‌های اسلاوگرا نزدیک بودند و غرب را دشمن تاریخی روس می‌دانستند. این اندیشه، در دوره شوروی، مأموریت فرهنگی و رسالت آزادی ملت‌های شرق

از سلطه غرب را دنبال می‌کرد که با اندیشه پروسترویکا، خاتمه یافت و از آن پس، با ویرانی نظام ملی ارزش‌ها، تشخیص هویت جامعه دچار مشکل شده است.

آخرین مبحث بخش اول، «انگاره اصیل ملی و دکترین پان اسلاویستی روسیه» است. از نگاه نگارنده کتاب، در شرائط کمبود فرهنگ همبستگی بدون رویارویی با دیگران، تنها مقابله گروه خود با گروه دیگر و استفاده از نظریاتی چون پان اسلاویسم، زمینه‌ساز رشد خودآگاهی ملی می‌شود. این نظریات به ارزش‌های خودکفایی تبدیل می‌شوند که ملت را برای فعالیت عملی بسیج نموده و بر طراحی سیاست خارجی اثر می‌گذارند. بحران نظام دولتی سلطنتی در اروپا باعث اندیشه دولت ملی (دولت - ملت) برخلاف دولت سلطنتی جهان وطن و جدا از توده‌های مردم شد. در روسیه نیز اندیشه ملی مورد توجه قرار گرفته بود. در نتیجه این روند، اندیشه میراث بیزانسی به دکترین پان اسلاوی تبدیل شد. طرفداران نظریه پان اسلاو، خواهان تشکیل اتحاد سیاسی و دولت متحد همه اسلاوها و ارتدوکس‌ها بودند و این در محافل مختلف نخبگان جامعه روسی گسترش و محبوبیت زیادی داشت و در بحران بالکان به اوج خود رسید. این اندیشه در سالهای جنگ جهانی دوم و تحولات دهه ۱۹۹۰ بالکان میان نخبگان و جامعه روس مطرح شد.

نویسنده، بخش اول را با این عبارت به پایان می‌رساند: «شکی نیست که سیاست خارجی شوروی - روسیه به وسیله موقعیت ژئوپلیتیکی آن، تحولات در مناسبات بین‌المللی و منافع ملی این کشور تعیین می‌شود. ولی در این سیاست، همیشه یک مبدأ موسوم به «صورت مثالی» وجود داشت که از ویژگی‌های فرهنگی و روانشناختی شکل‌گیری خودآگاهی ملی روس سرچشمه می‌گرفت. فضای آگاهی روسی با مرزهای دولت مطابقت نداشته بلکه حدود و جهت‌گیری‌های خاص خود را دارد که به وسیله مظاهر خاص تبلور یافته و در سطح ناخودآگاه در صورت‌های مثالی ملی حک شده است. روسیه برای حفظ این فضا یعنی حفظ «خویشتن»، به تلفات و خسارات زیادی تن می‌دهد.» او سپس به تضاد ارزش‌های ژرف قومی و ارزش‌های متأثر از واقعیت‌ها و نتیجه آن برای دنیای باطنی شخصیت که به تشنج و ناراحتی منجر می‌شود، اشاره می‌کند. از نظر زادوخین، جامعه‌ای که با بحران هویت خود دست به گریبان

وجود مفهوم منافع ملی رد شد و اختلاف میان ایدئولوژی و منافع واقعی دولت باعث تشدید بحران داخلی دولت شوروی می‌شد. با فروپاشی شوروی، مرحله جدید بررسی و درک منافع ملی روسیه شروع شد، ولی این کار به زمان احتیاج داشت زیرا بحث درباره منافع ملی در شرائط نبرد شدید بین کمونیست‌ها و دموکرات‌ها بر سر قدرت رنگ باخته و به یکی از امور ثانوی و درجه دوم تبدیل شده بود. فقط اواخر سال ۱۹۹۴ توجه به مسأله منافع ملی دوباره جدی شد. سایر مباحث کتاب به سیاست خارجی روسیه در قبال اوکراین، بالکان، آمریکا، جامعه اروپای غربی، آسیای مرکزی و قفقاز، شرق و جهانی شدن پرداخته و در آن کوشش شده است تا با استفاده از تحولات تاریخی روابط روسیه و این کشورها و مناطق و روند شکل‌گیری آگاهی ملی و تفکر ملی روسی در قبال آنها، موضوع تحلیل شود. در واقع، آنچه که در فصل اول مطرح شده به عنوان بستری برای طرح مباحث فصل دوم مورد استفاده قرار گرفته است.

در بحث روابط با اوکراین با اشاره به جدایی دردناک این سرزمین و شکل‌گیری تدریجی خودآگاهی ملی اوکراین متأثر از فرهنگ یونانی - بیزانسی و کاتولیک لاتین، اعتراف می‌شود که کلیشه‌های مستحکم ذهنی، افسانه‌ها و احکام ایدئولوژیک دوره شوروی و احساس هویت اروپایی در این کشور یک واقعیت انکارناپذیر است که روسیه امروز با ید آن را بپذیرد. در رابطه با بالکان نیز ملاحظات ژئوپلیتیک، سنت‌های تاریخی و مسائل اسلاوگرایانه مطرح شده و سپس وضعیت سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. نویسنده پیشنهاد می‌کند که روسیه باید خود را از اسارت کلیشه‌های دوره جنگ سرد رها ساخته و در جنبه فرهنگی سیاست خارجی خود نسبت به منطقه بازنگری کند تا بتواند ضمن همگرایی با فضای فرهنگی اروپایی، نقش مؤثری در منطقه بازی کند.

در مورد آمریکا، ابتدا برداشت اولیه نظر مثبت روس‌ها نسبت به آمریکا طی سده‌های پیش بیان شده است. از این نگاه، تنها از سال ۱۹۱۷ است که سیمای آمریکا دگرگون می‌شود و در حال حاضر نیز کلیشه‌های ذهنی دوره جنگ سرد همراه با اقدامات این کشور در فضای اوراسیا، موجب شده تا افکار عمومی روسیه، آمریکا را به عنوان رقیب اصلی روسیه در نظام مناسبات بین‌المللی تلقی کنند.

است، با مسأله دشوار وارد کردن ارزش‌های جدی به سیستم سنن خود رو به رو می‌شود.

فصل بعد به «تحلیل خردگرایانه تفکر ملی روس» پرداخته است. در ابتدای این فصل، مفهوم منافع ملی در شعور سیاسی روسیه بیان می‌شود. از نظر زادوخین، منافع ملی شامل تأمین بقا و امنیت خود بوده و فضا در مرحله تشکیل جامعه مدنی و دولت قانونمند است که منافع ملی معنا دارد: «مفهوم منافع ملی، مفهومی پیچیده است که می‌توان آن را به عنوان منافع یک واحد اجتماعی - سیاسی تعریف کرد که تعادل معاصر منافع شخصیت، گروه و کل اجتماعی در

سرزمین خاص و در زمان معین تاریخی را منعکس می‌کند و با منافع واحدهای اجتماعی - سیاسی دیگر در ارتباط است. مفهوم منافع ملی همچنین، منعکس‌کننده سطح معین آگاهی اجتماعی است.» از نظر او، درک درست منافع ملی در گرو خودآگاهی ملی دقیق در سطح بالای یکپارچگی جامعه و نخبگان و این نیز منوط به سطح معین فرهنگ سیاسی است. استفاده از مفهوم منافع ملی به عقلایی‌تر کردن سیاست خارجی منجر می‌شود چراکه بیانگر نیازهای درک‌شده و یکپارچه‌شده یک کشور است.

از نظر نگارنده کتاب سیاست خارجی روسیه، مفهوم منافع ملی در آگاهی سیاسی روسیه قرن ۱۶ به وجود آمد و خطرات خارجی، ساختار منافع ملی روسیه قرن ۱۸ را تعیین می‌کرد منافع ملی این دولت عبارت بودند از: تثبیت نهایی سیاسی مرزهای کشور، تأمین تمامیت ارضی و امنیت کشور، تأمین دسترسی آزاد به اقیانوس جهانی و فراهم کردن استقلال اقتصادی و شرایط مناسب خارجی برای توسعه اقتصادی. برای حل مشکل تعارض ارزش‌ها و منافع ملی و تعارض اسلاو بودن و روسی بودن، نویسنده عقیده دارد که ارزش‌ها می‌توانند به علت نیازهای اجتماعی انسان، بخشی از منافع ملی را نیز تشکیل دهند و مسأله اینست که ارزش‌ها مانع توسعه‌نشده و با نظام منافع ملی ارتباط طبیعی و هماهنگ پیدا کنند. همچنین برخورد عملگرا و حسابگرایانه نباید مبنای معنوی اجتماع انسان‌ها و تمدن بشری را ویران کند. او عقیده دارد که از نیمه دوم قرن نوزدهم بود که امکان اظهارنظر جامعه درباره محتوای منافع ملی فراهم شد، اما در دوره نظام کمونیستی، احتمال

ساختاری تاریخی «ما - آنها» دارد و نمونه غرب به عنوان یک تهدید در طول تاریخ روسیه یک عامل اساسی در همبستگی ملی و انگیزه اتخاذ برخی روش‌های مشخص سیاست خارجی بوده است. زادوخین سیاست خارجی روسیه را متأثر از ویژگی‌های فرهنگی و روان‌شناختی شکل‌گیری تفکر ملی دانسته که همواره در انطباق دادن خود با مرزهای ملی مشکل داشته و هزینه‌هایی را بر دولت‌های روس تحمیل کرده است. او همچنین، مناقشه همیشگی ارزش‌های ملتی تاریخی ژرف و ارزش‌های نوین متأثر از واقعیت‌ها و پیامد آن یعنی بحران خودآگاهی و هویت ملی از یکسو، و برخورد پیشداورانه غرب و بنیادگرایانه شرق از دیگر سو مطرح می‌نماید. این وضعیت، روسیه را درگیر در یک دوره انقطاع، گسست و بحران هویتی و تمدنی نموده و بازشناسی منافع ملی را برای آن به امری ضروری تبدیل نموده است.

در مجموع، کتاب سیاست خارجی روسیه اطلاعات و تحلیل‌های ارزشمندی از بسیاری مفاهیم و ایده‌های نهفته در پشت رفتارهای خارجی دولت روسیه به محققان این عرصه ارائه می‌کند و با ژرف‌کاری در بسترهای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قومی روس، از تحلیل‌های روزمره فراتر می‌رود. در حقیقت، خواننده کتاب بجای تحلیل صرف رفتارهای خارجی مسکو در این سالها با علل و دلایل پشت سر این رفتارها آشنا می‌شود.

در پایان، اگر این سطور بخواهد کتاب را در یک عبارت کوتاه به خوانندگان معرفی کند، آن عبارت اینست که سیاست خارجی روسیه بر بستری از تاریخ جامعه اسلاو و روس و در پیوند با محیط اطراف (اروپا، بالکان، آسیای صغیر، جنوب قفقاز و چین) قرار دارد و دو عنصر مذهب (ارتدوکس) و قومیت (اسلاو و روس) بیش از هر چیز دیگری بر رفتارهای آن طی سده‌های اخیر اثرگذار بوده‌اند. در حال حاضر نیز این عناصر کمابیش اثر دارند، اما از نگاه نویسنده کتاب، شرط موفقیت سیاست خارجی روس نه رهایی کامل از بسترهای تاریخی، بلکه تعدیل و ادغام آنها در واقعیات دنیای کنونی (بقا و توسعه در محیط جهانی‌شده امروز) است.

نویسنده عقیده دارد که به موازات خروج از بحران هویت ملی و توسعه فرهنگ کثرت‌گرایانه در برداشت از جهان، اهمیت عامل آمریکایی در نظام ارزش‌ها کاهش یافته و همگرایی روسیه با فضای اروپایی و اصلاح روابط با دولت‌های جدید قسمت غربی اوراسیا به این امر کمک خواهد کرد.

او می‌نویسد که برخلاف نقطه‌نظر موجود، عضویت کشورهای جدید اروپایی در ناتو می‌تواند در آینده برای روسیه مثبت باشد؛ چراکه جنبه اروپایی پیمان تقویت خواهد شد، و برای روسیه بدون همکاری با اروپا، رسیدن به وضع قدرت بزرگ و حل مسائل امنیت ملی و رشد اقتصادی مشکل است.

زادوخین در بحث از آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه، مرزهای جنوبی را منشأ اصلی تهدیدات مستقیم برای امنیت ملی می‌داند. البته او «خطر اسلام» را چندان جدی ندانسته و اسلام را بخش تشکیل‌دهنده در فرهنگ روس و واقعیت تاریخی فضای اوراسیایی می‌داند. او با تأکید بر نفوذ تاریخی و فرهنگی ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز، و منافع مشترک دو کشور ایران و روسیه و نیز اختلاف آنها، تمایل تهران و مسکو را برای حل و فصل مسائل فی‌مابین مهم می‌داند. از این نگاه، ایران مفیدترین همسایه کشورهای آسیای مرکزی و روسیه از نظر ژئوپلیتیکی است و روسیه را بهترین شریک راهبردی خود می‌داند: «انتظار می‌رود که دیدار پوتین از ایران نه تنها به روابط اقتصادی دوجانبه تحرک جدیدی ببخشد بلکه مبنایی برای همکاری سیاسی در جهت حل و فصل مسائل امنیتی منطقه‌ای آسیای مرکزی، افغانستان، قفقاز و خاورمیانه ایجاد کند.»

در پایان کتاب گفته شده است که با وجود تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در روسیه، اما سیستم ارزش‌ها و گرایش‌ها مبتنی بر انگاره‌های ملی که در ایدئولوژی «مسکو به عنوان رم سوم» و «دکترین پان اسلاویسم» نهفته‌اند همچنان ثابت باقی مانده‌اند. در واقع، دو مفهوم فوق، سیاست خارجی روسیه را طی سده‌ها شکل داده‌اند.

همچنین به این نکته اشاره شده که «غرب»، نقشی اساسی در تکوین هویت ملی روسیه از گذشته تا امروز داشته است و دیالوگ تاریخی روسیه و غرب میان غرب‌گرایان و اسلاوگرایان، یک مبنای

«گفتگوی تمدن‌ها» بدون شک و تردید، بسیار و به موقع مطرح شد و هنوز هم در جریان است، اما به هر حال این طرح نتوانست به میزان مورد انتظار حمایت جهانی را جلب کند. شاید دلیل امر این بود که مبتکر این طرح ایران بود و بعضی از کشورهای غرب این طرح را جدی نمی‌گیرند. اکنون نیز دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی پایان یافته است. اخیراً و به منظور پیشبرد طرح اتحاد تمدن‌ها گروهی بلندپایه تشکیل شده است. اعضای این گروه از سه سطح تشکیل شده است:

۱- رجال سیاسی بر جسته سابق: سید محمد خاتمی، فدریکو مایور، اوبر ودرین، مصطفی نیاسه و غیره.

۲- متفکران و اندیشمندان: همانند کارن ارسترانگ (نویسنده انگلیسی).

% رویدادها و گزارشهای خبری*

فرهنگ و جامعه

آیا پیوند تمدن‌ها ممکن است؟

(گزارش از مصاحبه ویتالی نامکین، رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک دانشگاه دولتی مسکو)

افزایش اختلافات بین جهان اسلام و غرب، افزایش تعداد مهاجرین از کشورهای مسلمان به اروپا، همگی سبب شده است که مسئله برخورد تمدن‌ها مطرح گردد. در سال ۲۰۰۳ کشورهای اسپانیا (بویژه لوییز رودریگز زاپاترو- نخست وزیر) و ترکیه (طیب اردوغان - نخست وزیر) مبتکر طرح تشکیل «اتحاد تمدن‌ها» شدند. در آن زمان دبیر کل سازمان ملل متحد نیز پشتیبانی خود را نسبت به این طرح اعلام نمود.

ایده «اتحاد تمدن‌ها» از این جهت که در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی تقریباً ۵۰ میلیون مسلمان زندگی می‌کنند از اهمیت خاصی برخوردار است. این مسأله یکی از بارزترین مسائل در بهبود روابط جهان اسلام و غرب در حال حاضر است. ایده سید محمد خاتمی در مورد

۳- رجال روحانی: همانند اسقف دسموند توتو.

هدف طرح اتحاد تمدن‌ها این است که با نزدیک سازی فرهنگ‌ها شرایطی را فراهم آورد، که ضمن رفع زمینه‌های مناقشات، مانع از ورود کشورها به عرصه‌های مناقشه‌آمیز گردد.

✧ استقبال بی نظیر روسها از شب شعر مولانا در مسکو

شب شعر و ادب ایرانی که به مناسبت بزرگداشت مولانا جلال‌الدین رومی در مسکو برگزار شده بود، با استقبال بی نظیر مردم روسیه روبه‌رو شد. در این شب شعر با عنوان «دیدار با خورشید» که در خانه ملل مسکو و به همت «ایرینا آبرامنکو» مدیر سازمان پرسیا برگزار شد؛ غلامرضا انصاری سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو، نمایندگان سفارت و رایزنی فرهنگی ایران نیز حضور داشتند.

همچنین در این برنامه بخش‌هایی از زندگی‌نامه مولانا و مثنوی معنوی به صورت دکلمه توسط «اوما کریموا» و «ایرینا اسگینوا» در لباس‌های محلی ایرانی، خوانده و اجرا شد. اجرای زنده موسیقی سنتی ایرانی، ستور و آواز توسط «فرهاد سعیدی» و «حسین نوربخش» از دیگر

* هدف از ارائه این بخش پرداختن به تمامی رخدادها و منقده نیست، بلکه سعی خواهد شد در کنار گزارش‌ها و مصاحبه‌های مختلف درباره تحولات منطقه، گزیده اخبار منطقه نیز مورد بررسی قرار گیرد.

برنامه های این مراسم بود. طبق اعلام برنامه آینده به بررسی اشعار حافظ شیرازی اختصاص دارد.

تبریک واتیکان به مسلمانان تاتارستان به مناسبت عید فطر

۳۱ اکتبر ۲۰۰۵

صدر اعظم شورای عالی گفتگوی بین مذاهب، اسقف اعظم مایکل فیتسجرالد به نمایندگی از واتیکان، به رهبری اداره امور روحانی جمهوری تاتارستان به مناسبت اتمام ماه مبارک رمضان تبریک فرستاد. وی در نامه خود به عنوان مسیحی، مسیحی ها و مسلمانان را به همزیستی دعوت کرد. وی در نامه خود همچنین یادآور شده است که برای شورای اعظم گفتگوی بین مذاهب فرستادن پیام ها برای برادران و خواهران مسلمان، به مناسبت اتمام ماه رمضان به صورت یک سنت در آمده است.

در مرکز اسلامی مسکو مباحثات دینی با ادیان مختلف برگزار خواهد شد

۳۱ اکتبر ۲۰۰۵

جمعه گذشته در مسکو مرکز آموزش فرهنگی «اهل سنت و جماعت» افتتاح گردید. مبتکر و بنیانگذار این مرکز، جامعه سنی سازمان ملی مسلمان روسی می باشد. در مرکز همه داوطلبان می توانند در مباحثات علنی با نمایندگان جامعه های دیگر شرکت نمایند. علاوه بر این جلسات سخنرانی در زمینه تاریخ جنبش های سیاسی اسلامی و برنامه های آموزشی و عقیدتی و فقهی برگزار می شود.

مهاجرین، مسأله ای ملی در مسکو

طبق نتایج تحقیقات جامعه شناسان انستیتوی جامعه شناسی مسکو، ۹۰ درصد دانشجویان مسکو معتقدند که مهاجرین به مسکو در زمان اتحاد جماهیر شوروی سابق برای آنها منبع خطر به حساب می آیند. بر اساس نظر خواهی انجام شده، ۹۷ درصد دانشجویان ادعا می کنند که مهاجرین به مسکو از قفقاز در مدت اقامت خود در وضع بهداشتی شهر تأثیر منفی می گذارند؛ ۵۷ درصد از آنها بر آن عقیده اند که مهاجرین در بازار کار نیز تأثیر منفی می گذارند؛ ۷۱ درصد معتقدند که این مردم آپارتمانهایی که خود شهروندان مسکو نیاز دارند را اشغال می کنند. نتایج انستیتوی جوانان نشان می دهد که ۵۶ درصد از جوانان محله «پروا پرستالنی»

مهاجرین قفقازی را دوست ندارند. کارشناسان تأیید می کنند که مسکو با یک مسأله ملی دشوار روبرو گردیده است.

در این میان، این تصور وجود دارد که مقامات دولتی سعی و کوشش به خرج می دهند تا به این مسأله توجه نکنند. جنبش عمومی علیه مهاجرت غیر قانونی در ۱۰ ژوئیه سال ۲۰۰۲ چند روز بعد از حوادث در شهرهای روسیه (در گیری اهالی بومی با مهاجرین) پایه گذاری گردیده است و امسال سومین سالگرد فعالیت خود را برگزار می کند. هدف اصلی این جنبش، مبارزه با مهاجرین غیر قانونی است. در روسیه ۶۰ درصد جنایات را مهاجرین انجام می دهند و آنها باعث افزایش اعتیاد و حوادث ناگوار می شوند.

برگزاری نخستین جشنواره فیلم مسلمانان در قازان

۱۲ اکتبر ۲۰۰۵

مؤسسين جشنواره بین المللی فیلم مسلمانان «منبر طلایی»، که در قازان برگزار گردید در نظر دارند تا سال آینده این فستیوال را در مسکو در چهارچوب برنامه «مسکوی چندملیتی» برگزار نمایند.

به خبرگزاری ایترفاکس دبیر کل فستیوال - زاودی مامیرگف - اظهار نمود که شهردار مسکو - یوری لوزکف - نیز حمایت خود را در این باره اعلام نموده است. جایزه ویژه «ودیعہ در راه دعوت به اسلام» را فیلم اندیشمند برجسته قرن ۱۲ «غزالی» به کارگردانی اویدیو سالازار از بریتانیا به خود اختصاص داد. به گفته زاودی مامیرگف، فیلم سالازار به این خاطر که «در الگوی زندگی یک انسان مشخص اساس و زیبایی اسلام را به تصویر می کشد» جایزه ویژه را از آن خود ساخته است. در مجموع در جشنواره فیلم مسلمانان، ۱۵۴ فیلم از بیش از ۲۰ کشور دنیا شرکت داشتند.

استقبال جهانی از سینمای ازبکستان

۷ اکتبر ۲۰۰۵ - آژانس خبری ملی ازبکستان

در کشور ما «ازبکستان» توجه زیادی به گسترش فرهنگ، من جمله هنر سینما می شود. بواسطه این موضوع، فیلمهای ما نه تنها در کشور خودمان از محبوبیت زیادی برخوردارند، بلکه در در جشنواره های بین المللی موفقیت چشمگیری بدست آورده اند. مثلاً در گردهمایی سینمایی سال ۲۰۰۵ که در سپتامبر سال گذشته در شهر آناب برگزار شد، سینماتوگراف ازبک «ارکاک» مفتخر به دریافت جایزه برای نامگذاری «بهترین فیلمنامه» شد.

پارلمان گرجستان تا پایان اجلاس پائیز باید منشور اروپا را در خصوص اقلیت‌های زبانی به تصویب برساند. این موضوع ۲۱ اکتبر در دیدار رئیس کمیته حقوق بشر و همگرایی مدنی پارلمان گرجستان، النا تودورادزه و نمایندگان کمیسیون اتحادیه اروپا ژانا لوی لوراننا و جرمی مواوکسا به بحث گذاشته شد.

در مصاحبه خبرگزاری «نووستی - گرجستان» النا تودورادزه اظهار داشت که «مطابق توافق با اتحادیه اروپا، این منشور با قید و شرطهایی از جانب گرجستان که به تفصیل به آگاهی عموم خواهد رسید پذیرفته خواهد شد.» به گفته النا تودورادزه، چنانچه روسیه شرایط و مناقشات را بدون هیچ‌گونه تغییری حفظ نماید و به تحکیم مواضع جدایی‌خواهان ادامه دهد، گرجستان نیز به اتحادیه اروپا نقش میانجی را برای طرح ریزی برنامه همکاریهای عمومی در جهت حل و فصل مناقشات پیشنهاد خواهد نمود.

سیاست

■ از اول نوامبر اتباع تاجیکستان با داشتن شناسنامه های

داخلی می توانند عازم روسیه شوند

۳۱ اکتبر ۲۰۰۵ از اول نوامبر سال ۲۰۰۵ امکان انجام سفر اتباع تاجیکستان و روسیه، نه فقط بر اساس پنج سند مورد استفاده در حال حاضر (گذرنامه های دیپلماتیک و خدمت، گذرنامه عادی؛ گذرنامه ها و برگه های عبور موقت)، بلکه با شناسنامه های داخلی و گواهی نامه ولادت کودکان مجدداً آغاز می شود.

آقای ایگور ستاروف، رئیس اداره اطلاعات وزارت امور خارجه تاجیکستان، در توضیح خود برای مطبوعات اشاره می کند که از اول نوامبر اتباع کشور با شناسنامه های داخلی تابعیت تاجیکستان و کودکان کمتر ۱۶ سال با گواهی نامه ولادت می توانند عازم روسیه شوند و در آنجا اقامت داشته باشند.

■ اظهارات رئیس جمهور ترکمنستان در خصوص پیشرفت

این کشور - سفر مراد نیازاف: «به علت اینکه زمان در اختیار

ماست، ترجیح می دهیم عجله نکنیم».

ترکمنستان چهاردهمین روز استقلال خود را برگزار می کند. به قول رئیس جمهور ترکمنستان، این کشور در چند سال اخیر از یک کشور تک محصولی و متکی به صنعت مواد خام معمولی به کشوری در حال رشد با اقتصاد چند مرحله ای تبدیل شده است.

فیلمهای «ارکاک» و «دلخراش» با همکاری کارگردان باذوق یوسف رازیکف ساخته شدند. «دلخراش»، فیلمی است در مورد عشقی پیروزمند و شکوه آن. در جریان اکران فیلمها در کشور، نظریات متفاوتی درباره این فیلمها وجود داشت و در خارج از کشور خیلی خوب مورد پذیرش مردم قرار گرفتند.

■ افتتاح سومین نمایشگاه بین المللی هنری بیناله - ۲۰۰۵

در تاشکند

سایت اینترنتی فرغانه

در سومین نمایشگاه بین المللی هنری «بیناله-۲۰۰۵» که اول اکتبر در سالن مرکزی نمایشگاههای آکادمی هنر ازبکستان در تاشکند افتتاح شد، ۷۵ هنرمند از ۲۶ کشور دنیا شرکت بعمل می آورند. آثاری همچون نقاشی، آثار گرافیکی و... به نمایش گذاشته می شوند.

در ساعات آغازین افتتاح «بیناله-۲۰۰۵» بیشتر از ۱۰۰ نفر از این نمایشگاه دیدن کردند. طی هفت روز آخر، هیأت منصفه تشکیل شده از هنرشناسان و هنرمندان ازبکستان، روسیه، فرانسه، یونان، کره جنوبی و دیگر کشورها دست آوردهای شرکت کنندگان را ضمن تعیین جوایز و دارندگان جوایز، مورد ارزیابی قرار خواهند داد.

■ آذربایجان - پیش آهنگ ایدئولوژی اسلامی

۲۲ سپتامبر ۲۰۰۵

کنفرانس بین المللی «همبستگی اسلامی» از سوی اداره مسلمانان قفقاز و با همکاری سفارت جمهوری اسلامی ایران، در باکو برگزار میگردد. هدف و برنامه اصلی کنفرانس، اتحاد و همبستگی مسلمانان برای حل مشکلات جمعیت مسلمانان کشورها است. بنابر اظهارات رئیس اداره مسلمانان قفقاز، شیخ الاسلام الله شکور پاشازاده، علاوه بر این، مسأله اصلی مورد بحث در این کنفرانس مسأله وهابیت است. چرا که به اعتقاد وی امروزه شاهد انجام عملیات تروریستی و اقدامات مخرب گروههای تروریستی وهابی هستیم و همین امر به بدنامی مسلمانان در افکار عمومی جهانی منجر شده است.

■ پارلمان گرجستان منشور اروپا را در خصوص اقلیت‌های

زبانی به تصویب می‌رساند

تفلیس، ۲۱ اکتبر، خبرگزاری اینترنتی ایریس

به منظور سقوط رژیم کریموف روش های دیگر به کار برده خواهد شد. بنابراین، اکنون امام علی رحمانف رئیس جمهور تاجیکستان، باید به پیشنهاد آمریکا شامل پرداخت ۵ میلیون دلار به منظور استقرار خلبانان اخراج شده از ازبکستان، فکر کند.

■ تأسیس مرکز ضد تروریسم توسط مبارزان چچن

راسیسکایا گازتا

سایت اینترنتی مبارزان چچنی با عنوان «قفقاز» خوانندگان خود را با خبری با این مضمون که خالد ایدیگف به ریاست مرکز ضد تروریستی «جمهوری چچن» منصوب گشته، متحیر ساخت. البته ممکن است چگونگی ایجاد مرکز ضد تروریستی و یا بطور کلی شنیدن چنین خبر جنجالی جالب بنظر برسد، ولی موضوع از آنچه که در نگاه اول بنظر می رسد بسیار جدی تر می باشد.

■ دبیر کل این سازمان معتقد است که ازبکستان به

سازمان قرارداد امنیت دسته جمعی می پیوندد

مسکو، ۱۰ اکتبر، خبرگزاری ایترفاکس: دبیر کل سازمان قرارداد امنیت دسته جمعی، نیکلای بردوژا، ورود ازبکستان به این سازمان را بعید نمی داند. به گزارش خبرگزاری ایترفاکس بردوژا طی اظهاراتی اعلام کرده است که پس از پیوستن ازبکستان به جامعه اقتصادی اروپا، ورود این کشور به سازمان قرارداد امنیت دسته جمعی منطقی بنظر می رسد.

■ روسیه و ترکمنستان قصد دارند دو توافق نامه دوجانبه

امضا نمایند

به گزارش رسمی وزارت امور خارجه روسیه، در جریان مذاکرات صورت گرفته وزیر امور خارجه روسیه فدراتیو در عشق آباد، سرگی لاورف با رئیس جمهور ترکمنستان صفرمراد نیازوف، بر آمادگی دو طرف جهت امضای چهار موافقت نامه دو جانبه تأکید شد. محور این همکاریها شامل موارد مختلف در زمینه های مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر، همکاری های دوجانبه علمی و اقتصادی می شود.

به گزارش وزارت امور خارجه روسیه فدراتیو، موضوع محوری مذاکرات، روابط روسیه-ترکمنستان، وضعیت و آینده روابط متقابل در زمینه های بازرگانی-اقتصادی و سرمایه گذاری، همچنین مسائل مرتبط با منظم نمودن وضع حقوقی دریای خزر هستند.

■ برنامه های نظریات برای دور بعدی ریاست جمهوری

این درحالی است که کیفیت بالای رفاه مردم نیز تأمین شده است. در سال های اخیر به سبب کارخانجات با دستگاه های مدرن، رشته نساجی پیشرفت کرده و نه فقط نیازهای داخلی را تأمین می نماید، بلکه به اروپای غربی، ایالات متحده آمریکا و روسیه نیز صادرات انجام می شود. بیشتر از نیمی از بودجه دولت ترکمنستان سالانه صرف نیازهای اجتماعی مردم می شود. از نظر نیازف نهادینه کردن مردم سالاری در جامعه ترکمنستان، رشد روحیه استقلال، افزایش سطح سازمان های عمومی - باید با طی مسیر طبیعی خویش پیش رود و در این مورد ضرب المثل ترکمنی می گوید: «به آنجایی که می شود آهسته رسید، نباید مثل دیوانه دوید». بر اساس این ضرب المثل ما هیچ عجله ای نداریم، چون می دانیم که زمان در اختیار ماست.

■ فشارهای غرب بر ازبکستان

یکی از اصلی ترین مسایلی که در نشست سازمان همکاری مرکزی - آسیا در ۷ نوامبر در سن پترزبورگ مطرح شد، پیرامون کشور ازبکستان بود.

ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپا ازبکستان را تحت فشار سیاسی شدید خارجی قرار داده اند. یاد آوری می شود که اخیراً اتحادیه اروپا موافقت نامه همکاری بین اتحادیه اروپا و ازبکستان را لغو کرده است و همچنین صادرات کالاهایی که می توان از آن استفاده نظامی کرد را به این کشور قطع کرده است. علاوه بر این، پیشبینی می شود که گام بعدی آنها راکد کردن حساب های سران ازبکستان باشد.

در ۵ اکتبر سنای ایالات متحده آمریکا قانون منع پرداخت تسویه بدهی مربوطه به استفاده از پایگاه در کارشی - خان آباد از ژانویه سال ۲۰۰۳، که بالغ بر ۲۳ میلیون دلار می باشد را به تصویب رسانده است. قبلاً وزارت امور خارجه راجع به راکد کردن کمک های مالی به تاشکند که تقریباً ۲۱ میلیون دلار می باشد، تصمیم گرفته بود. بهانه رسمی این عملیات اندیجان بود. غرب، این حوادث را به عنوان توسل به سرکوب علیه تظاهرات مسالمت آمیز ارزیابی می نماید. در جریان این مدت به نظر اتحادیه اروپا و آمریکا، اسلام کریموف رئیس جمهور ازبکستان سه گام غیر قابل گذشت بر داشته است:

۱- رد پیگیری بررسی «مستقل» حوادث اندیجان.

۲- پیروی کردن وی از سیاست روسیه و چین.

۳- تصمیم سران مقامات کشور و سنا نسبت به قطع فعالیت پایگاه نیروهای نظامی هوایی در خاک ازبکستان. این امر باعث شد که توپخانه سنگین دیپلماتیک علیه ازبکستان به کار انداخته شود. بدیهی است که آمریکایی ها از ازبکستان دست بر نمی دارند، اما بر خلاف روسیه سفید،

ساختمان لوله نفت آتاسو- آلاشانگهای امسال ۱۶ دسامبر به اتمام می رسد. این مطلب را وزیر نیروی قزاقستان در مصاحبه اختصاصی با خبرنگار ایترتاس، در جلسه شورای سران کشورهای سازمان همکاری شانگهای که در مسکو برگزار می شد، اعلام کرد.

به گفته وی، هزینه احداث این خط لوله ۷۰۰ میلیون دلار ارزیابی می شده است و بر اساس قرارداد از طرف چین این طرح در مدت تعیین شده یعنی ۱۶ دسامبر سال ۲۰۰۵ به بهره برداری می رسد. طبق قرارداد منعقد سرمایه گذاری طرفین برای احداث لوله نفت ۳۵۰ میلیون دلار بوده است.

همچنین پیش بینی می شود که ظرفیت انتقال لوله نفت تا ۲۰ میلیون تن افزایش یابد. در عین حال نه فقط قزاقستان بلکه شرکت های نفت روسیه هم می توانند از این مسیر بهره ببرند. بدین ترتیب لوله نفت آتاسو - آلاشانگهای نمونه مشخص همکاری کشورهای قزاقستان، چین و روسیه می باشد.

■ **سرعت رشد اقتصادی در روسیه هنوز هم در سطح بالا باقی می ماند، اما به سبب تقویت سریع روبل، کاهش می یابد**

مسکو، نوامبر ۲۰۰۵

بر اساس گزارش کارشناسان بانک جهانی، اگرچه، سرعت رشد اقتصادی در روسیه در حال حاضر در سطح بالا باقی می ماند، از نیمه دوم سال ۲۰۰۴ در اغلب بخش ها نشانه های کاهش آن دیده می شود. طبق این گزارش این امر به سبب رشد فشار رقابت که ناشی از افزایش سریع نرخ واقعی روبل می باشد بوجود آمده است. به عقیده کارشناسان بانک جهانی، در نتیجه تقویت سریع روبل، اغلب رشته های صنایع برای زنده ماندن خود ناگزیر هستند به شدت مبارزه کنند. همچنین در اسناد بانک جهانی ذکر شده است که رشد درآمد ناخالص داخلی نتیجه افزایش قیمت نفت و گاز و همچنین افزایش مصرف داخلی می باشد.

در ضمن صنایع مواد غذایی پس از کاهش سرعت رشد در مدت دو سال، در سال ۲۰۰۵ به حد کافی شرایط خوبی را داراست. در عین حال، در اسناد بانک جهانی تأکید می شود که سرعت رشد در آمد و دستمزدها مثل همیشه بالاتر از سرعت رشد در آمد ناخالص داخلی می باشد و التهاب در بازار تک فروشی هیچ نشانه کاهشی نشان نمی دهد.

۱۲ اکتبر ۲۰۰۵ - نزوایسیمایا گازتا
روز گذشته در آستانه، در کنفرانس بین المللی علمی - کاربردی تحقق مهم ترین مسئله برای کشور- سند استراتژی توسعه «قزاقستان - ۲۰۳۰» مورد بحث قرار گرفت. این برنامه بلند مدت پذیرفته شده در سال ۱۹۹۷ در خصوص ابتکار عمل رئیس جمهور نورسلطان نظربایف می باشد. بر اساس طرحهای موجود در این سند، قزاقستان تا سال ۲۰۳۰ باید به یک کشور توسعه یافته تبدیل شود. نظربایف در سخنرانی خود در کنفرانس مذکور دوباره بر پیوستگی اصول خود (اول اقتصاد و سپس سیاست) تأکید نمود. «اقتصاد، بعد سیاست، لیبرالیزه کردن جامعه به کمک توسعه اقتصادی، این همان چیزی است که از این به بعد «راه قزاقستان» نامیده می شود.

اقتصاد

■ **رئیس جمهور قزاقستان اعلام کرد که هدف عمده آنها این است که قزاقستان در شمار ۵۰ کشور پیشرفته قرار بگیرد**

آستانه - ۳۱ اکتبر ۲۰۰۵

نورسلطان نظربایف رئیس جمهور قزاقستان، در کنگره فدراسیون اتحادیه های صنفی قزاقستان اعلام کرد که هدف وی قرار گرفتن قزاقستان در شمار ۵۰ کشور جهان است. بنا بر اظهارات وی زمان آن رسیده است که به منظور رشد اقتصادی قزاقستان وظایف نو و بنیادی برای مدرنیزه کردن جامعه و دولت اجرا گردد. این کشور در طی ۷ سال گذشته میانگین سرعت رشد اقتصادی سالانه ۹ تا ۱۰ درصد را به خود اختصاص داده است که این امر درآمد ناخالص داخلی را به ۷۵ درصد افزایش داد. رشد درآمد کل کشور به ۳/۵ تا ۴ برابر، درآمد ناخالص داخلی سرانه به سه برابر - (از ۱۱۳۰ دلار در سال ۱۹۹۹ تا ۳۴۰۰ دلار در سال ۲۰۰۵)، افزایش میزان دستمزدها، حقوق های بازنشستگی و کمک هزینه تحصیلی سه برابر، افزایش هزینه های دولت در بخش بهداشت به ۴ برابر و در بخش آموزش و پژوهش ۳ برابر افزایش یافت.

■ **لوله نفت آتاسو - آلاشانگهای (قزاقی - چینی) در ۱۶ دسامبر سال ۲۰۰۵ به بهره برداری می رسد**

ایترتاس - مسکو، ۲۶ اکتبر ۲۰۰۵

📄 در مسکو موافقت نامه تشکیل شورای کار روسیه و

ایران به امضا رسید

مسکو - ۷ نوامبر ۲۰۰۵

در مرکز کنگره اتاق بازرگانی - صنعتی ملاقاتی بین نمایندگان محافل بازرگانی روسیه و ایران صورت گرفت.

در طی این ملاقات، سرگی کاتیرین معاون رئیس اتاق بازرگانی روسیه و فریدون انتظار - نایب رئیس اتاق بازرگانی، صنعت و معادن ایران، موافقت نامه تشکیل شورای کاری را به امضا رساندند. شورای کار

روسیه

و ایران امکانات جدید برای همکاری شرکت های خصوصی ایران و روسیه می سازد و این امر مناسبات دوجانبه را به سطح بالا می برد. فعالیت ثمربخش شورای کار باعث افزایش میزان مبادلات کالا میان ایران و روسیه خواهد شد. اگر چه گردش بازرگانی بین روسیه و ایران افزایش می یابد و در حال حاضر به دو میلیارد می رسید، میزان آن زیاد به حساب نمی آید.

شورای کار از معاون های رؤسای - اتاق های بازرگانی و صنعتی بعضی از نواحی روسیه، واحدهای حمل و نقل، پالایشگاه های نفت شرکت های ماشین سازی و بسیاری از بانک های روسیه تشکیل می گردد.